

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله تک‌نگاشت‌های  
الگوی اسلامی ایران پیشرفت

# مدل‌های اقتصادی مناسب جایگاه انسان و سرمایه در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و مقایسه آن با سایر نظام‌های اقتصادی

مهر ماه ۱۳۹۴

## رهبر فرزانه انقلاب اسلامی:

باید در طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت  
بر چهار عرصه‌ی فکر، علم، معنویت و زندگی تکیه شود  
که در این میان، موضوع «فکر» بنیانی‌تر از بقیه‌ی عرصه‌ها است

در دیدار اعضای شورای عالی  
مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت  
۱۳۹۱/۱۲/۱۴

سرشناسه	: یوسفی، احمدعلی، ۱۳۳۹-
عنوان و نام پدیدآور	: مدل‌های اقتصادی مناسب جایگاه انسان و سرمایه در الگوی اسلامی ایرانی
پیشرفت و مقایسه آن با سایر نظام‌های اقتصادی	: تهران: الگوی پیشرفت، ۱۳۹۲.
مشخصات نشر	: مشخصات ظاهری
فروست	: سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۱۱-۲۲-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیپای مختصر
یادداشت	: یادداشت
یادداشت	: شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۸۱۳۰۲
یادداشت	: واژه نامه
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۸۱۳۰۲
فهرست نویسی	: کامل این اثر در نشانی: <a href="http://opac.nlai.ir">http://opac.nlai.ir</a> قابل دسترسی است

سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت:  
مدل‌های اقتصادی مناسب جایگاه انسان و سرمایه  
در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و مقایسه آن با سایر نظام‌های اقتصادی

نگارش: حجت الاسلام و المسلمین دکتر احمدعلی یوسفی (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

ناشر: نشر الگوی پیشرفت، وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

نوبت چاپ: اول، مهرماه ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۱۱-۳۶-۶

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

تلفن: ۰۲۱ ۸۸۰۱۴۶۴۸ - ۰۲۱ ۸۸۶۳۴۰۰۸

[www.olgou.ir](http://www.olgou.ir)

Email: [olgou@olgou.ir](mailto:olgou@olgou.ir)

نشانی: تهران، خیابان جلال آل احمد، روبه‌روی بیمارستان شریعتی، شماره ۳  
تمامی حقوق این اثر متعلق به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.  
مسئولیت دیدگاه‌های بیان شده در این تک‌نگاشت بر عهده مؤلفان محترم است.

## پیشگفتار

تعیین مبانی، ارکان، چارچوب و مسیر پیشرفت کشور در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باید با مشارکت گسترده و حضور همه جانبه دانشمندان، محققان، نخبگان دانشگاهی و حوزوی و جوانان این مرز و بوم صورت گیرد. به گواه تاریخ و تجارب گذشته، پیشرفتی همه جانبه و پایدار خواهد بود که مبانی اسلامی و اقتضائات ایرانی در آن توأمان مورد توجه باشد.

اینک مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در آستانه اتمام سه سال تلاش‌های علمی، تخصصی و فکری درباره پیشرفت اسلامی ایرانی، برگزاری نشست‌های علمی و تخصصی، تاسیس اندیشکده‌های مرکز، انتشار صدها مقاله ارزشمند و تهیه نقشه راه تدوین الگو و انجام برخی از مراحل آن، در نظر دارد با هدف تولید دانش و گسترش و تعمیق ادبیات موضوعی در حوزه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، آثاری را به صورت تک‌نگاشت‌های علمی فاخر منتشر نماید. تک‌نگاشت نوشتاری تخصصی و نیمه مبسوط است که توسط یک پژوهشگر خبره در یک موضوع خاص نگاشته می‌شود. تک‌نگاشت از نظر حجم و محتوا حد فاصل مقاله و کتاب است و نویسنده با پردازش و تحلیل یافته‌ها و مطالعات تخصصی پیشین و افزودن یافته‌های پژوهشی جدید خود و تحلیل جامع و منسجم آنها افق‌های تازه‌ای را در زمینه مورد بررسی می‌گشاید.

سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که در مجلدات مختلف منتشر می‌شوند، حاصل تلاش جمعی از استادان، اندیشمندان و محققان دانشگاهی و حوزوی است که مراحل مختلف نگارش، ارزیابی، ویراستاری، تدوین و انتشار را با نظارت متخصصان و اهل فن گذرانده است و در اختیار صاحب‌نظران قرار می‌گیرد. در پایان از مساعدت‌ها و تلاش‌های ارزنده نویسندگان تک‌نگاشت‌ها و داوران و مراکز مختلف علمی و پژوهشی که ما را در تهیه، تدوین و انتشار این سلسله یاری رسانند، تقدیر و تشکر می‌شود. امید است این محتوای علمی بتواند افق‌های نو و روشنی را در پیش چشم متخصصان دانشگاهی و حوزوی بگشاید و هر روز در طی مسیر تدوین و تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت گام‌های بلندتر و استوارتری برداشته شود.



## فهرست

چکیده.....	۷
مقدمه.....	۹
<b>فصل اول: جایگاه انسان و سرمایه در الگوی سرمایه‌سالاری اقتصادی و آثار آن.....</b>	<b>۱۱</b>
مبانی نظام اقتصادی سرمایه‌داری.....	۱۲
اصول اقتصادی مبتنی بر مبانی نظام سرمایه‌داری.....	۱۴
نتایج اجرای مبانی و اصول نظام اقتصادی سرمایه‌داری.....	۱۶
<b>فصل دوم: جایگاه انسان و سرمایه در الگوی دولت‌سالاری اقتصادی و آثار آن.....</b>	<b>۲۷</b>
مبانی نظام اقتصادی کمونیسم.....	۲۷
نظریه تضاد دیالکتیکی.....	۲۸
نظریه مبارزه طبقاتی.....	۲۸
لوازم مبانی و اصول نظام اقتصادی کمونیسم.....	۳۰
<b>فصل سوم: جایگاه سرمایه و انسان در الگوی مردم‌سالاری اقتصادی دینی.....</b>	<b>۳۳</b>
مبانی الگوی مردم‌سالاری دینی اقتصادی.....	۳۳
مبانی خداشناختی الگوی مردم‌سالاری اقتصادی.....	۳۴
<b>فصل چهارم: مدل‌های اجرایی الگوی مردم‌سالاری اقتصادی دینی.....</b>	<b>۴۷</b>
مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام.....	۴۷
نگاه مقام معظم رهبری (تعاونی‌های فراگیر ملی).....	۵۴
مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری متوسط.....	۵۶
اصل عضویت آزاد مسئولانه.....	۵۸
اصل مدیریت همگانی.....	۵۹
اصل سود محدود برای سرمایه (سود متناسب برای سرمایه).....	۶۰
اصل مازاد برگشتی.....	۶۱
اصل آموزش و اطلاع‌رسانی دائمی به اعضا.....	۶۱
بنگاه‌های کارگر- مالکان موندراگون.....	۶۲
مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری ضعیف.....	۶۵



- ۶۷ ..... مدل بنگاه‌های اقتصادی با مالکیت خصوصی فردی
- ۶۷ ..... جمع‌بندی و پیشنهادات
- ۶۹ ..... منابع





## چکیده

نظام سرمایه‌داری با توجه به مبانی شرک‌آمیز خود و اصول متخذ از آن، الگوی سرمایه‌سالاری اقتصادی را ارایه داد. در این الگو جایگاه انسان در فرآیند پیشرفت به شدت تنزل و جایگاه سرمایه را فزونی می‌یابد. این امر باعث شده است تا مدیریت فرآیند پیشرفت، مالکیت منابع و محصول تولیدی سهم سرمایه شود. در واقع نیروی کار در الگوی پیشرفت نظام سرمایه‌داری در خدمت سرمایه قرار گرفته است. نتیجه چنین وضعیتی، فقر و شکاف طبقاتی شدید بوده است. نظام اقتصادی کمونیسم، با صراحت بیشتری مبانی توحیدی را منکر شد و علناً به کفر و الحاد روی آورد. براساس مبانی بینشی خود الگوی دولت‌سالاری اقتصادی را ارایه داد. در این الگو سرمایه را در عرصه اقتصادی عقیم معرفی کرد و هیچ بهره‌ای برای سرمایه در فرایند اقتصادی قایل نشد. همچنین، شان و منزلت انسان و نیروی کار در این نظام تنزل یافت و متولی همه امور اقتصادی دولت شد. نظام اقتصادی اسلام با اتکای به منابع الهی و توحیدی، الگوی مردم‌سالاری اقتصادی را ارایه داده و مدل‌های اجرایی آن را مشخص می‌کند. این الگو ضمن عقیم نشمردن سرمایه، جایگاه نیروی کار را ترفیع می‌دهد. این امر باعث می‌شود تا نیروی کار، مدیر فرایند پیشرفت، مالک منابع و محصول تولیدی باشد. در واقع در نظام اقتصادی اسلام، سرمایه در خدمت انسان قرار می‌گیرد و زمینه پیشرفت عادلانه در سطح جامعه فراهم می‌شود و شکاف درآمدی کاهش و کنترل می‌شود. بنابراین، این نوشتار براساس مبانی و تعالیم اسلامی به دنبال طراحی مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی است به گونه‌ای که اهداف همه فعالان اقتصادی با انگیزه‌های مختلف و مشروع، تامین شود و شرایط پیش‌گفته در اقتصاد فراهم گردد. این پژوهش با



مراجعه به منابع اسلامی و آثار علمی نظام اقتصادی سرمایه‌داری و سوسیالیسم به  
روش توصیفی و تحلیلی تحقق اهداف نوشتار را پیگیری می‌کند.





## مقدمه

نظام‌های اقتصادی براساس مبانی بینشی خود درباره جایگاه انسان و سرمایه در اقتصاد دیدگاه‌های متفاوتی دارند. مبتنی بر جایگاهی که برای انسان و سرمایه در اقتصاد تعیین می‌کنند نوع نظام اقتصادی خود را شکل می‌دهند. رفتارها و روابط اقتصادی در هر یک از نظام‌های اقتصادی براساس نوع تعیین جایگاه انسان و سرمایه، تفاوت‌های آشکاری با سایر نظام‌های اقتصادی دارند. این تفاوت‌ها چنان برجسته است که بر اصول متخذ از مبانی بینشی نظام اقتصادی و بر انواع روابط حاکم در بازارها اثر جدی دارد. نظام اقتصادی سرمایه‌داری با توجه به نوع جایگاهی برای انسان و سرمایه تعریف می‌کند، الگوی سرمایه‌سالاری اقتصادی را بهترین الگوی اقتصادی معرفی می‌کند و براساس آن، اصولی همانند اصل آزادی اقتصادی مطلق، مالکیت مطلق، رقابت آزاد اقتصادی و عدم مداخله دولت در اقتصاد را تجویز می‌کند و مدعی حل مشکلات بشریت می‌شود. نظام اقتصادی کمونیسم براساس نوع نگاه خود به جایگاه سرمایه و انسان، الگوی دولت‌سالاری اقتصادی را تجویز می‌کند و مالکیت خصوصی را ملغی می‌نماید و آزادی و رقابت اقتصادی را در عرصه اقتصادی منتفی می‌داند.

هر یک از این نظام‌های اقتصادی براساس نوع نگاه خود به جایگاه انسان و سرمایه و اصول متخذ آن‌ها، رفتارها و روابط اقتصادی خود را در انواع عرصه‌های اقتصادی و بازارها با تمایزات واضحی مشخص می‌کنند. نظام اقتصادی سرمایه‌داری جریان عرضه و تقاضای بازار آزاد را تنها جریان مورد قبول خود برای تعیین قیمت کالاها و خدمات در بازار کالاها و خدمات ارائه می‌دهد. همچنین همین نوع جریان آزاد را برای تعیین دستمزد نیروی کار در بازار عرضه و تقاضای نیروی کار و نیز بازار سرمایه ارائه می‌دهد. در همه فعالیت‌های اقتصادی میزان نرخ بهره حاکم بر جریان بازار را به عنوان عامل درون‌زای



تعیین کننده برای تصمیم‌گیری در تمام فعالیت‌های اقتصادی معرفی می‌کند. این امر چنان با اهمیت و قوی است که واژه نظام اقتصادی ربوی برای آن بکار گرفته می‌شود. برخلاف فرایند پیشگفته، نظام اقتصادی کمونیسم، جریان آزاد بازار عرضه و تقاضای کالاها و خدمات را منتفی می‌کند و عرضه و تقاضای کالاها و خدمات را در اختیار دولت قرار می‌دهد، سرمایه را عقیم معرفی می‌کند و نرخ بهره را به عنوان قیمت سرمایه منتفی می‌نماید و در بکارگیری نیروی کار سعی دارد تا از همه توان نیروی کار (ماهر، نیمه‌ماهر و ساده) استفاده کند و تنها به میزان نیاز به آنان پاداش دهد. هر یک از این دو نوع نگاه به انسان و سرمایه در عرصه اقتصادی دارای آثار و پیامدهای اقتصادی فراوان دیگری هستند که در متن نوشتار به مناسبت به آن‌ها اشاره می‌شود. اما نوع نگاه نظام اقتصادی اسلام به جایگاه انسان و سرمایه چیست؟ این نوع نگاه اقتضای چه نوع مدل‌های اقتصادی‌ای را دارد؟ آثار و پیامدهای اقتصادی چنین مدل‌هایی اقتصادی کدام است؟

در ادامه، هر یک از دو الگوی سرمایه‌سالاری اقتصادی و دولت‌سالاری اقتصادی و آثار اقتصادی آن‌ها بررسی می‌شوند. سپس با تبیین جایگاه انسان و سرمایه براساس مبانی اسلامی، مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی و آثار و پیامدهای آن ارایه می‌گردد. با توجه به آنچه بیان شد، برای بررسی موضوع پژوهش و پاسخ پرسش‌های ارایه شده، این تحقیق در چند فصل ذیل پیگیری می‌شود:

- فصل اول: جایگاه انسان و سرمایه در الگوی سرمایه‌سالاری اقتصادی و آثار آن.
- فصل دوم: جایگاه انسان و سرمایه در الگوی دولت‌سالاری اقتصادی و آثار آن.
- فصل سوم: جایگاه انسان و سرمایه در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت اقتصادی.
- فصل چهارم: مدل‌های اجرایی الگوی مردم‌سالاری اقتصادی و آثار آن‌ها.



## فصل اول: جایگاه انسان و سرمایه در الگوی سرمایه‌سالاری اقتصادی و آثار آن

بعد از دوران سیاه قرون وسطی در اروپا، دوران رنسانس همراه با تغییرات شدید در علوم و تکنولوژی آغاز شد. کارگاه‌های اقتصادی کوچک و خانوادگی جای خود را به کارخانجات بزرگ دادند. اقتصاد از شکل سنتی خارج و واحدهای تولیدی با تولیدات فراوانی مواجه شدند و تولید کالاها و خدمات به سرعت گسترش یافت و انقلاب صنعتی، شکل گرفت. بعد از انقلاب صنعتی و تولید و عرضه فراوان کالاها و خدمات، آن گاه این پرسش مطرح شد که هر یک از عوامل تولید چه سهمی از کالاهای تولیدی را دارند؟ براساس تابع تولید  $Q=F(L, K)$  (نیروی کار) (نیروی کار ماهر، نیمه ماهر و ساده) و سرمایه (نقدی و غیر نقدی) دو عامل تولید هستند.  $Q$  شامل تمام کالاها و خدمات تولیدی است. پرسش این بود که سرمایه چه میزانی در تولید نقش دارد و به دنبال آن، سرمایه و مالک آن، چه سهمی از محصول تولیدی را باید به خود اختصاص دهد؟ همین پرسش دربارهٔ نیروی کار نیز مطرح شد.

این تابع یکی از اساسی‌ترین توابع و این پرسش نیز یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها در اقتصاد است. نوع پاسخ به این پرسش، تاثیر بسیار جدی در تعیین نوع نظام و الگوی اقتصادی و نیز خطوط کلی تولید و توزیع در آن نظام اقتصادی دارد. نظام اقتصادی سرمایه‌داری براساس مبانی بینشی و ارزشی خود و اصول متخذ از آن، پاسخ خاصی به این پرسش داد که آثار و پیامدهای خاصی نیز در پی داشت.



## مبانی نظام اقتصادی سرمایه‌داری

اساسی‌ترین مبنای اعتقادی نظام اقتصادی سرمایه‌داری، «دئیسم»<sup>۱</sup> است. این دیدگاه رابطه‌ی خداوند را با جهان طبیعت و انسان به گونه‌ی خاصی ارایه می‌دهد. مبتنی بر این دیدگاه، خداوند متعال جهان طبیعت را آفریده و نظام طبیعی را که کارآمدترین نظام در عالم تکوین است، در آن قرار داده است. قوانین آن همانند قوانین فیزیک، در عالم مادی و محسوسات جاری بوده و ثابت، دقیق، کامل و عام است. نظام طبیعی خود به خود و به دور از دخالت مستمر الهی و منطبق بر قواعد علی و معلولی عمل می‌کند. گویا خدای متعال علت حدوث آن است؛ اما علت بقای آن به شمار نمی‌رود. در واقع خالقیت جهان توسط خدای متعال را قبول کرده است، اما ربوبیت خدای متعال بر عالم هستی را انکار نموده است.

نظام اقتصادی نیز جزئی از نظام طبیعی است که خداوند در آن هیچ گونه دخالتی ندارد. نظام طبیعی اقتصادی به وسیله «دست راهنمای» هوجسن<sup>۲</sup> یا «دست نامرئی» آدام اسمیت به بهترین نحو به بقای خود برای به سعادت رساندن ابنای بشر ادامه می‌دهد. برای آن که نظام اقتصادی به بهترین نحو کار کند و مردم و جامعه را به رفاه برساند، باید از هر گونه دخالت نیروهای بیرونی در اقتصاد جلوگیری کرد. یگانه وظیفه‌ی عالمان اقتصادی و فیلسوفان، درک و شناسایی آن و سپس همسویی و هماهنگی با قوانین آن است. بنابراین، در عرصه اقتصادی، هدایت تکوینی مستمر خداوند وجود ندارد و نیز به هدایت تشریحی او نیازی نیست.

هرچند گروهی دیگر از دئیست‌ها منکر هدایت تکوینی مستمر خداوند نیستند؛ اما آن را در حد نظارت بر این که نظام طبیعی درست عمل کند، محصور می‌دارند؛ ولی هدایت تشریحی و وحی را به‌طور کلی انکار می‌کنند (کاپلستون، ۱۳۷۵، ج ۵: ۱۷۹؛ ژید و ژیست، ۱۳۷۰: ۹-۱۸ و ۱۲۴-۱۲۵؛ تفضلی، ۱۳۷۵: ۶۹-۷۰ و ۷۲-۸۶ و ۸۷-نمازی، ۱۳۷۰: ۲۲ و ۲۴).

نظام سرمایه‌داری بعد از آن که نظام طبیعی را معرفی کرد و خدای متعال و اراده تکوینی و تشریحی او را از زندگی اجتماعی مردم از جمله از عرصه فعالیت‌های اقتصادی حذف نمود، در صدد برآمد تا وجود و اراده جدیدی را به عنوان خاستگاه اصلی تعیین نوع رفتارها

1. Deism

2. Francis Hutcheson



و روابط اقتصادی خود معرفی کند. از آنجایی که رسالت اصلی علم اقتصاد تبیین رفتارها و روابط اقتصادی انسان در ارتباط با پدیده‌های اقتصادی است، انسان و ارادهٔ انسان را به عنوان خاستگاه اصلی خود معرفی نمود. در واقع «اومانیزم»<sup>۱</sup> یا انسان محوری، مقیاس همه چیز قرار گرفت. به تعبیر آنتونی آربلاستر<sup>۲</sup> براساس اومانیزم، اراده و خواست بشر، ارزش اصلی، بلکه منبع ارزشگذاری محسوب شده و ارزش‌های دینی که در عالم اعلا تعیین می‌شوند، تا سرحدّ اراده انسانی سقوط می‌کند (آربلاستر، ۱۳۶۷: ۱۴۰).

بر اساس مقیاس انسان محوری، تمام نظام‌های رفتاری از جمله نظام اقتصادی باید با انسان و خواسته‌هایش هم‌نوا باشند، نه آن‌که انسان خود و خواسته‌هایش را با آن‌ها منطبق کند. بنابراین، تمام ارزش‌های دینی که با خواسته‌های انسان، همسویی کامل نداشته باشد، ضد ارزش تلقی می‌شود (لالاند، ۱۳۷۵، ذیل واژه HUMANISME).

با توجه به نگاه نظام سرمایه‌داری به جایگاه خدا و انسان، وحی به عنوان منبع شناخت حذف شد و همچنین سکولاریسم جایگاه خاصی پیدا کرده و آموزه‌های دینی در زندگی اجتماعی مردم جایگاه خود را از دست داد (کاسیرر، ۱۳۷۴: ۲۱۰). آن‌گاه، با توجه به مطالب پیشین، این مساله مطرح شد که نیک و بد و سعادت شقاوت چیست؟ واضح است که پاسخ این پرسش راهنمای عمل افراد، نهادها، دولت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها قرار می‌گیرد. با توجه به مبانی پذیرفته شده در بحث خداشناسی و انسان‌شناسی، به ناچار اصالت لذت مادی را در معرفی بدی و خوبی، سعادت و شقاوت، معیار قرار دادند. بر این اساس، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها نیز با همین معیار مورد ارزیابی قرار گرفت. جرمی بنتام<sup>۳</sup> (۱۷۴۸ - ۱۸۳۲) لذت و رنج مادی دنیایی را یگانه خوبی و بدی اعلام کرد (راسل، ۱۰۶۰: ۱۳۷۳). حتی آن‌ها اصل نفع را معیار حق و باطل قرار دادند (پاپکین و استرول، ۱۳۷۴: ۵۰). براین اساس بنتام معتقد بود که منفعت شخصی هدف نهایی است و در پی منفعت عمومی بودن در صورتی مطلوب است که منفعت شخصی را به دنبال داشته باشد (ولنکستر، ۱۳۵۸، ج ۳: ۱۲۴). هابز (۱۶۷۹ - ۱۵۸۸) نیز به صراحت اعلام کرد که جز ملاحظهٔ منافع شخصی، چیز دیگری نمی‌تواند انگیزهٔ رفتارهای آدمی باشد (زریباف، ۱۳۹۱: ۳۹۱). بنابراین، براساس لذت‌گرایی بنتامی، وقتی منافع

1. Humanism  
2. Anthony Arblaster  
3. Jeremy Bentham



شخصی مادی تنها معیار سعادت و نیکی محسوب شود، انسان سعادت‌مند کسی است که بیش‌ترین منافع مادی را نصیب خود کند. بنابراین، در رفتارهای اقتصادی در پی حداکثر منفعت شخصی مادی بودن، تنها رفتار عقلایی است و عقل انسان نیز بهترین ابزار خدمت برای تامین این هدف است. هیچ چیز نباید در راه رسیدن انسان به این سعادت مانع و رادع باشد و انسان‌ها در بهره‌گیری از ابزار عقل برای تحصیل حداکثر منافع مادی باید آزاد باشند. در این راه آنچه به‌دست می‌آورند تنها متعلق به خود آنان است و تنها خودشان به هر نحوی بخواهند می‌توانند از آن بهره ببرند تا لذت خود را به حداکثر برسانند. اگر کسی در راه کسب حداکثر کردن منافع مادی انسان یا در چگونگی استفاده از آن، مانعی ایجاد کند، عملی خلاف اخلاق انجام داده و مانع به سعادت رسیدن انسان است. بنابراین، انسان در عرصه اقتصادی، آزادی مطلق دارد و نیز مالک مطلق دارایی خود است. در واقع اصل مالکیت خصوصی مطلق و نیز آزادی مطلق اقتصادی از این نوع تفسیر از سعادت، استنباط می‌شود.

هر کسی باورهای پیشین را درباره خدای متعال، انسان و معنای سعادت و اخلاق داشته باشد، جای بدی و خوبی از دیدگاه او عوض خواهد شد، همه چیز را برای خود می‌خواهد و خودخواهی او حدی نخواهد داشت و معتقد خواهد شد که تنها با مرگ ارزش‌های حقیقی اخلاقی، راه پیشرفت اقتصادی باز خواهد شد. بر اساس همین مبانی است که دکتر پیر ژانه درباره روابط انسانی در نظام سرمایه‌داری لیبرال می‌گوید:

قانون تنازع بقا را به شدت اجرا می‌نماید. بر ضعیفان سخت‌گیر و ظالم است و هیچ جایی برای احسان و خیرات باقی نمی‌گذارد (ژانه، ۱۳۷۲: ۱۵۸).

همچنین کینز که یکی از بزرگترین اقتصاددانان نظام اقتصادی سرمایه‌داری است، معتقد است که بد خوب است و خوب بد است. آز، رباخواری و طمع خوب و ایثار و فداکاری بد است (مک فرسون، ۱۳۶۹: ۱۲۲-۱۲۳).

بر اساس مبانی و آموزه‌های نظام اقتصادی سرمایه‌داری اصولی استخراج می‌شوند.

## اصول اقتصادی مبتنی بر مبانی نظام سرمایه‌داری

### اصل حداکثرسازی منفعت مادی شخصی

نظام اقتصادی سرمایه‌داری لیبرال، وقتی اراده انسان را خاستگاه طراحی نظام اقتصادی



قرار داد، با تحلیل رفتار اقتصادی انسان، اعلام کرد که همهٔ انسان‌ها در رفتارهای اقتصادی خود به دنبال حداکثرسازی منفعت مادی شخصی هستند. بنابراین، منفعت مادی شخصی خیر اعظم معرفی شد و هر کس بیشتر منفعت مادی را نصیب خود کند، سعادت‌مندتر است. در نتیجه، رفتار حداکثرسازی منفعت مادی شخصی نیز تنها رفتار عقلایی محسوب شد.

### اصل آزادی مطلق اقتصادی

وقتی منفعت مادی شخصی خیر اعظم شد، همهٔ انسان‌ها باید در تحصیل آن آزاد باشند. چون آزادی در راه تحصیل سعادت انسان حق قطعی انسان است. بنابراین، هیچ مانعی نباید در مسیر اکتساب منافع مادی بیشتر انسان قرار گیرد و انسان‌ها در عرصهٔ اقتصادی آزادی مطلق دارند.

### اصل مالکیت فردی مطلق اقتصادی

وقتی منفعت مادی شخصی خیر اعظم معرفی شود و همهٔ انسان‌ها در اکتساب منفعت مادی آزادی مطلق داشته باشند، به‌طور طبیعی مالکیت مطلق اقتصادی باید پذیرفته شود. یعنی همهٔ انسان‌ها حق دارند در عرصهٔ اقتصادی به هر مقداری بتوانند مالکیت اقتصادی کسب و تجمع کنند.

### اصل رقابت آزاد اقتصادی

سه اصل پیشین وقتی در کنار محدودیت منابع و امکانات اقتصادی قرار گیرند، فعالان اقتصادی ناچاراً در کسب منافع مادی بیشتر با هم رقابت و مبارزه کنند. این مبارزه با توجه به اصول بیان شده تا جایی که رقبا ورشکست شده و از عرصهٔ اقتصادی ساقط شوند، مجاز است.

### اصل عدم مداخلهٔ دولت

لازمهٔ رعایت اصول چهارگانه گذشته آن است که هیچ نهاد دنیوی و دینی از جمله دولت حق دخالت در رفتارها و روابط اقتصادی مردم را نداشته باشد. دخالت دولت برای رفع



موانع حداکثرسازی منافع مادی فعالان اقتصادی خوب است. رعایت این اصول، به ویژه اصل رفتاری رقابت، رفتار انحصارگرانه را توجیه‌پذیر می‌کند. وقتی پیگیری حداکثر منفعت مادی شخصی، هدف فعالیت اقتصادی معرفی شود و فعالان اقتصادی در پیگیری این هدف آزاد بوده و حق رقابت با هم داشته باشند، به‌طور طبیعی رفتار انحصارگرانه باید پذیرفته شود. به همین جهت است برخی از محققان اقتصادی قبل از جریان کامل شکل‌گیری نظام اقتصادی سرمایه‌داری بیان کردند که رقابت قاتل رقابت است و آن را به سمت انحصار پیش می‌برد (قدیری اصلی، ۱۳۷۶: ۱۳۹).

### نتایج اجرای مبانی و اصول نظام اقتصادی سرمایه‌داری آزادی اقتصادی برای صاحب سرمایه

براساس اجرای اصول نظام اقتصادی سرمایه‌داری، آزادی تنها برای سرمایه و صاحب سرمایه محقق شد و اغلب فعالان حقیقی اقتصادی - نیروی کار ماهر و نیمه ماهر و ساده - در بهره‌مندی از آزادی اقتصادی محروم شدند. چون اجرای اصول نظام اقتصادی سرمایه‌داری، موجب تمرکز سرمایه و ثروت در دست افراد اندکی شد. این افراد قدرت اقتصادی جامعه را به‌دست گرفتند و تنها آنان قادر شدند درباره نوع، کیفیت، کمیت کالای تولیدی تصمیم بگیرند. همچنین، تنها آنان این حق را پیدا کردند تا تصمیم بگیرند که کالاها برای چه کسی تولید شود. اما فعالان حقیقی اقتصادی تنها می‌توانند به استخدام صاحبان سرمایه درآیند و درباره امور پیشگفته حق هیچگونه تصمیم‌گیری نداشته باشند. در واقع نظام اقتصادی سرمایه‌داری، آزادی اقتصادی را تنها برای صاحبان سرمایه و قدرت اقتصادی به ارمغان آورد. در حالی که اگر آزادی اقتصادی حق همه فعالان اقتصادی است، پس نظام اقتصادی باید به‌گونه‌ای طراحی و اجرا شود تا زمینه بهره‌مندی از آزادی اقتصادی برای همه فعالان اقتصادی فراهم شود.

### رقابت اقتصادی برای صاحب سرمایه

با اجرای اصول پیش‌گفته، تنها صاحبان سرمایه حق بهره‌مندی از رقابت اقتصادی را پیدا کردند و نیروهای کار و فعالان حقیقی اقتصادی از رقابت محروم شدند. رقابت در تاریخ اقتصادی به لحاظ مفهومی تحولات و آثاری را به‌دنبال داشته که لازم است برای





روشن شدن مطلب اشاره مختصری داشته باشیم. آدام اسمیت اولین اقتصاددان کلاسیکی بود که مفهوم رقابت اقتصادی را بیان کرد. از نظر وی، رقابت یک فرایند حرکت از وضعیت عدم تعادل به سمت تعادل است. رقابت اقتصادی تنها در وضعیت عدم تعادل بین عرضه و تقاضا آغاز می‌شود. وقتی مازاد عرضه وجود داشته باشد، عرضه‌کنندگان برای تحمیل آن به دیگران با یکدیگر رقابت می‌کنند و بر عکس، موقع کمبود عرضه، تقاضاکنندگان برای اختصاص دادن کالاهای موجود به خود با هم رقابت می‌کنند. این وضعیت تا رسیدن به تعادل وجود دارد. بنابراین، رقابت از دیدگاه وی یک مفهوم ایستا نیست (رنانی، ۱۳۷۷: ۸۳؛ به نقل از اسمیت، ۱۳۵۷: ۷۴-۷۳). همچنین، از نظر کلاسیک‌ها رقابت یک مفهوم ساده بود، چون در آن زمان، فقدان هرگونه رفتاری غیر از رقابت، از قبیل انحصار، باعث شده بود تا اقتصاددانان کلاسیک همواره از بازار، «بازار رقابت» را اراده کنند (رنانی، همان: ۸۴؛ به نقل از Stigler, 1989: 531-5).

اقتصاددانان نئوکلاسیک، رقابت را مفهومی ایستا و یک ساختار بازار در شرایط تعادلی در نظر گرفتند و به تدریج فروض آن را تکمیل و تحمیل کردند (تفضلی، همان، ۳۴۹؛ رنانی، همان: ۸۸). کورنو در سال ۱۸۳۸ شرط «بی‌نهایت بودن تعداد رقبا» و جونز در سال ۱۸۷۱ شرط «اطلاعات کامل رقبا از قیمت‌ها» را برای رقابت کامل بیان کردند (رنانی، همان، ۸۷). حدود یک دهه بعد، اجورث، شرط «همگن بودن کالاها» را برای رقابت کامل افزود. در پایان قرن ۱۹، جان بیتس کلارک شرط «تحرك کامل عوامل تولید» را اضافه نمود. با تحقق این شرایط، بنگاه‌ها نمی‌توانند هیچ تأثیری بر قیمت‌ها داشته باشند (رنانی، همان: ۸۸-۸۷؛ به نقل از Eatwel, 1989, 537-40).

۱. شومپیتر با طرح «فرایند رقابتی تخریب خلاق» مدعی شد که تحولات مداوم اقتصادی، ذاتی خود سرمایه‌داری رقابتی است و مفهوم رقابت کامل نمی‌تواند این فرآیند را توضیح دهد. ابتدا در بنگاهی، ابداع و اختراعی صورت می‌گیرد (خلاقیت) و سودهای انحصاری را به ارمغان می‌آورد. سپس این ابداع توزیع می‌شود و سودهای انحصاری آن از بین می‌رود (تخریب) و این جریان همچنان ادامه می‌یابد (رقابت دینامیک). پس از شومپیتر، نظریه رقابت ناقص توسط خانم رابینسون در انگلستان و رقابت انحصاری در آمریکا توسط چمبرلین ارایه شد. آن‌ها بدین وسیله نشان دادند که بازارها غالباً میان رقابت کامل و انحصار قرار دارند (رنانی، همان: ۱۰۰-۹۰).



ویکتور دو کنیدران تاکید می‌کند که نظام رقابت آزاد در تمام زمینه‌ها موجب انحصارات می‌شود (شارل ژید و شارل ژیست، تاریخ عقاید اقتصادی، ترجمه کریم سنجابی: ۳۶۹). کینز در سال ۱۹۳۶ اظهار داشت که بهشت فرضی رقابت آزاد و کامل منسوخ شده و انحصارات بزرگ جای آن را گرفته است (تفضلی، تاریخ عقاید اقتصادی: ۳۶۶ و ۳۸۹).

۲. رقابت کامل نمی‌تواند واقعیات اقتصادی را توضیح دهد. کلارک از صاحب‌نظران نئوکلاسیک‌ها و هایک و ریچاردسون بر این مفهوم تاختند و معتقد بودند که رقابت کامل تنها در شرایط ایستا قابل دستیابی است. در حالیکه از نظر اسمیت رقابت یک فرایند است. هایک معتقد است که تئوری رقابت کامل نئوکلاسیکی استحقاق کمی دارد که «رقابت» نامیده شود (رنانی، بازار یا نابازار: ۸۸، به نقل از وست ادوین: ۲۱-۲۲). به لحاظ تاریخی نیز «تئوری رقابتی نئوکلاسیک» قادر نشد تا وضعیت اقتصادی شدیداً متحول نیمه اول قرن بیستم را از نظر رشد شدید، تمرکز ثروت و روش‌های تولیدی را توضیح دهد (رنانی، بازار یا نابازار: ۸۹).

۳. تحلیل‌گران بازار رقابت نظام اقتصادی سرمایه‌داری، بلکه طرفداران آن به صراحت وقوع شرایط بازار رقابت کامل را در عالم خارج غیر ممکن می‌دانند (عبادی، همان: ۴۵). برخی نیز آن شرایط را صرفاً یک سری شرایط ایده‌آلی معرفی می‌کنند و معترفند که تقریباً هیچ بازار رقابت کاملی به‌وجود نخواهد آمد (واریان، همان: ۲۴۸).

۴. برخی از نویسندگان اقتصادی نقاط ضعف فراوانی برای بازار رقابت می‌شمارند. (عبادی، همان: ۱۳ - ۱۴). از جمله اینکه در بازار آزاد رقابتی، جو تبلیغاتی تولیدکنندگان و فروشندگان، مصرف‌کنندگان را وادار می‌نماید تا هرچه را تولیدکننده مایل است، همان را تقاضا کنند. دیگر این‌که در بسیاری موارد تولیدکنندگان انحصاری، کنترل بازار را در دست دارند و قیمت کالاها و خدمات را تعیین می‌کنند (همان).

در واقع این محققان منصف معترفند که سیستم سرمایه‌سالاری اقتصادی نظام سرمایه‌داری، بازار آزاد رقابتی را ابزاری برای به انحصار درآوردن منافع مادی خود قرار داده‌اند. با تفسیری که نظام سرمایه‌داری برای خوبی و بدی ارایه داد، در رقابت برای کسب سود مادی شخصی، هیچ‌گونه محدودیت اخلاقی مطرح نیست. عنصر حرص و طمع در وجود افراد عامل مهمی برای دستیابی به هدفشان است. پیش‌تر، از کینز بیان شد: «ما باید به مردم بیاموزیم که بد، خوب است و خوب، بد است. حرص، طمع، آز و



رباخواری در فعالیت‌های اقتصادی برای حداکثر کردن سود مادی شخصی عامل مهم و مفیدی است. فداکاری، ایثار و کمک به دیگران بد است. با تغییر آموزه‌های اخلاقی و ارزشی، پیشرفت اقتصادی ممکن است». در واقع در بستر اصل رفتاری اقتصادی رقابت آزاد نظام سرمایه‌داری باید مرگ ارزش‌های اخلاقی را انتظار داشت.

### مالکیت منابع و محصول تولیدی برای صاحب سرمایه

صاحبان سرمایه، مالکیت منابع و محصول تولیدی و مدیریت فرایند اقتصادی را در اختیار گرفتند و نیروی کار با استخدام خود تنها از یک دستمزد ثابت حداقلی برخوردار شد. نتایج اقتصادی دوران رونق اقتصادی نصیب صاحب سرمایه می‌شود و نیروی کار تنها همان دستمزد ثابت را دریافت می‌کند. نیروی کار در دوران رکود اقتصادی از کار بیکار می‌شود. به عبارت دیگر، با اجرای اصول نظام اقتصادی سرمایه‌داری مالکیت منابع و محصول تولیدی و نیز مدیریت تمام فرایند اقتصادی سهم صاحب سرمایه شد و قریب به اتفاق فعالان حقیقی اقتصادی - نیروی کار ماهر، نیمه ماهر و ساده - از حداقل امکانات اقتصادی بهره‌مند شدند.

### نفوذ صاحبان سرمایه در تقنین و اجرا

صاحبان سرمایه با قدرت سرمایه، تشکیلات تقنین و اجرای آن را در جامعه در اختیار گرفتند. بنابراین، دولت حاکم چاره‌ای جز حمایت از صاحبان سرمایه ندارد. چون اعضای دولت یا صاحبان سرمایه هستند یا صاحبان سرمایه با سرمایه خود آنان را بر جامعه حاکم کردند. بنابراین، در فرضی که صاحبان سرمایه تشکیلات تقنین و اجرای آن را در اختیار دارند، هرگز علیه خود قانون وضع و اجرا نمی‌کنند. در فرضی که افراد دولت توسط صاحبان سرمایه بر جامعه حاکم شوند، به نوعی دست‌نشانده صاحبان سرمایه هستند و نمی‌توانند علیه آنان و به نفع نیروهای فعال حقیقی قوانین را وضع و اجرا کنند.

### بی‌عدالتی و توزیع نامناسب ثروت و درآمد

در چنین شرایطی سرمایه، هم عامل تعیین میزان سهم شد و هم عامل اداره بنگاه‌های اقتصادی. از سوی دیگر، بر اساس اصول نظام اقتصادی سرمایه‌داری، نه دولت و نه هیچ



نهاد دیگری حق دخالت در تعیین روابط اقتصادی بین نیروی کار و سرمایه و صاحب سرمایه را نداشت. این وضعیت باعث شد ثروت و دارایی جامعه در دست افراد اندکی جمع شود و در طرف دیگر، خیل انسان‌های گرسنه و کارگر قرار گیرند (ژید و ریست، ۱۳۷۰، ج ۱: ۲۶۹ - ۲۷۴). منزلت نیروی کار در روابط جدید اقتصادی به شدت تنزل پیدا کرد و سرمایه و صاحب آن، جایگاه رفیعی یافت. جایگاه انسان در برابر سرمایه و صاحب آن، چنان تنزل یافته بود که حتی بچه‌ها در سنین پایین، با بدترین و ناسالم‌ترین و ظالمانه‌ترین شرایط برای کار کردن، اجیر می‌شدند. ساعات کار طولانی، خشونت، بیماری کارگران و گسترش رذائل اخلاقی از دستاوردهای نظام اقتصادی سرمایه‌داری در این دوران بود (ژید و ریست، ۱۳۷۰: ۲۷۱ - ۲۷۰). نظام سرمایه‌داری بر پایه اصول خود این گونه القا می‌کرد که گرسنگی صدها هزار کارگر یک قانون طبیعی و اجتماعی است و صاحب سرمایه از نظر اخلاقی حق دارد در جهت کسب سود بیشتر، حد اکثر بهره‌کشی را از کارگر به‌عمل آورد (فروم، ۱۳۸۵: ۱۱۰). کاهش دستمزد از یک سو و افزایش هزینه‌های زندگی از سوی دیگر، موجب تنزل قدرت خرید کارگران شد. در بسیاری از کارخانجات، سرمایه‌داران برای کاهش دستمزد نیروی کار، ترجیح می‌دادند از زنان و اطفال استفاده کنند. این شیوه دستمزد، شکاف طبقاتی را تشدید می‌کرد (پالمر، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۲) و باعث شد ثروت جامعه در دست افراد اندکی جمع شود و در طرف دیگر، خیل گرسنگان کارگر قرار گیرند (ژید و ریست، ۱۳۷۰: ۲۶۹ - ۲۷۴).

شرایط فعلی نظام اقتصادی سرمایه‌داری نیز وضعیت مطلوبی ندارد. توزیع ثروت و درآمد جامعه در نظام اقتصادی سرمایه‌داری، بر پایه حقوق مالکیت آن شکل می‌گیرد. در این نظام، همه ثروت‌های جامعه، اعم از ثروت‌های طبیعی و غیر آن می‌تواند تحت مالکیت خصوصی افراد درآید. نظام سرمایه‌داری شکاف‌های درآمدی شدید را براساس مبانی خود ناپسند نمی‌داند، بلکه برای رسیدن به نرخ بالای رشد اقتصادی، آن را مفید ارزیابی می‌کند. چون معتقد است اگر ثروت و درآمد جامعه در دست افرادی قرار گیرد که میل نهایی به مصرف آنان پایین باشد، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در سطح ملی افزایش می‌یابد و جامعه با رشد اقتصادی بالایی مواجه خواهد شد. این نظام، در عین حال فقر را برای افراد جامعه نمی‌پسندد. چون فقر باعث کاهش تقاضای مؤثر می‌شود. کاهش تقاضای مؤثر فرایند رشد اقتصادی را کند می‌کند و اقتصاد را به سمت رکود سوق می‌دهد. بنابراین، اگر تمرکز ثروت



در جامعه، شدید باشد، ولی فقر مطلق در جامعه وجود نداشته باشد، وضعیت مطلوبی است. اما با تحقق شکاف درآمدی گسترده، سهم بهره‌مندی سرمایه و پول و صاحبان آن‌ها از ثروت و درآمدهای جامعه، روز به روز بیشتر می‌شود و در طرف دیگر، خیل عظیم سایر مردم از جمله نیروی کار (ماهر، نیمه ماهر و ساده) از ثروت و درآمد جامعه، بهره‌اندکی می‌برند و دچار فقر و تنگدستی خواهند شد. چون براساس نظریه «مصرف درآمد نسبی» نظام اقتصادی سرمایه‌داری، هر فردی، میزان سطح مصرف خود را با توجه به متوسط سطح مصرف جامعه تنظیم می‌کند. چون متوسط سطح مصرف جامعه همیشه در حال افزایش است، بنابراین، این وضعیت باعث می‌شود تا افراد جامعه دائماً سطح مطلوبیت بالاتری از مصرف کالاها و خدمات را مطالبه کنند. در حالی که اغلب موارد، قادر نیستند تا آن سطح از مطلوبیت را تامین کنند. در نتیجه، خود را در ردیف افراد نیازمند می‌بینند. بنابراین، خط فقر همیشه در حال صعود به نقطه بالاتری است (برانسون، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۴۴ - ۳۴۸). این امر بدین معنا است که نظام اقتصادی سرمایه‌داری در درون خود فقرزا است. اگر نظام اقتصادی به گونه‌ای طراحی و اجرا شود که از درون دائماً فقرزا باشد، معلوم است که افراد جامعه به حق خود از ثروت و درآمد جامعه دست نمی‌یابند و نظام اقتصادی نسبت به اجرای عدالت از درون با مشکل مواجه است.

اگر این وضع ادامه پیدا کند، به طور مرتب قدرت خرید مردم کاهش پیدا می‌کند و نظام سرمایه‌داری با رکود مواجه خواهد شد. بنابراین، باید دولتی حاکمیت را بر عهده گیرد تا مانع وقوع رکود اقتصادی شود. دولت در نظام سرمایه‌داری برای جلوگیری از رکود اقتصادی و فراهم نمودن زمینه بازدهی دائمی پول و ثروت سرمایه‌داران باید تلاش کند تا تقاضای مؤثر برای تولیدات آنان وجود داشته باشد. دولت در نظام سرمایه‌داری از راه‌های زیر به این هدف می‌رسد:

۱. تعیین دستمزد حداقلی برای کارگران. دولت از این طریق، مانع می‌شود تا سرمایه‌داران دستمزد بسیار پایین به نیروهای کار پردازند و تقاضای مؤثر برای کالاها و خدمات تولیدی در سطح ملی کاهش یابد. البته، اگر دولت دخالت نکند، دستمزد حداقلی برای نیروی کار مشخص نشود، ممکن است برخی صاحبان سرمایه، دستمزد بسیار پایین به نیروی کار پردازند، در نتیجه سود خود را حداکثر نمایند. اما چون دولت نماینده نظام سرمایه‌داری است، باید به گونه‌ای عمل کند تا منافع نظام سرمایه‌داری محفوظ بماند.



۲. اخذ مالیات و توزیع آن به نفع طبقات کم درآمد. دولت از درآمدهای جامعه مالیات اخذ می‌کند و بخشی از آن را به عنوان بیمه بیکاری یا تامین خدماتی برای طبقات کم‌درآمد یا فاقد هر گونه درآمدی به مصرف می‌رساند.

هر یک از دو راه بالا خلاف مبانی نظام سرمایه‌داری است. چون خلاف آزادی اقتصادی و نقض حقوق مالکیت مبتنی بر مبانی نظام سرمایه‌داری است. بنابراین، این اقدامات در حد ضرورت و برای حفظ منافع سرمایه‌داران انجام می‌گیرد. اگر نظام سرمایه‌داری در کنار فقر گسترده، بتواند تقاضای مؤثر کل را برای کالاهای تولیدی سرمایه‌داران حفظ کند، دلیلی برای اقدام به نفع اقبال فرودست وجود ندارد. البته، دولت‌های نظام سرمایه‌داری اگر حفظ منافع سرمایه‌داران را در اخذ مالیات بیشتر از طبقات پایین جامعه و نیز کاهش خدمات عمومی، آموزشی و بهداشتی بدانند، به چنین امری اقدام می‌کنند. کما این که در برخی بحران‌ها دستمزد طبقات پایین جامعه را کاهش می‌دهند و یا از آنان مالیات بیشتر می‌گیرند. در بحران اقتصادی موسوم به وال‌استریت، نظام سرمایه‌داری با تقبل استقراض، کمک‌های فراوانی به بانکداران و سرمایه‌داران کرده است و برای جبران آن، از طبقات کارگر و با درآمد پایین جامعه، مالیات‌های بیشتر اخذ نموده و هزینه‌های عمومی، بهداشتی و آموزشی را که اغلب طبقات پایین جامعه از آن‌ها بهره‌مند می‌شدند، کم کرده است و دستمزدهای آن‌ها را نیز کاهش داده است. به جهت این روش توزیع ثروت و درآمد در جوامع سرمایه‌داری است که آمارها حاکی از شدت شکاف درآمدی و فقر در کشورهای سرمایه‌داری است.

متأسفانه هر چقدر دنیا ثروتمندتر می‌شود وضعیت نابرابری بدتر می‌گردد؛ به طوری که در دهه ۱۹۶۰ میلادی، درآمد پنجم ثروتمند، ۳۰ برابر پنجم فقیر دنیا بود، اما این نسبت، بعداً ۸۰ برابر شده است (Gordon, 2004: 6). براساس گزارش منتشر شده بانک جهانی در سال ۲۰۰۸، این نسبت به ۱۱۴ برابر رسیده است (Milanovic, 2002, 51-92).

مطابق تحقیقی که فرانسیس بورگیگنون و کریستین موریسن در مورد توزیع درآمد مردم جهان از سال ۱۹۹۲-۱۸۲۰ یعنی برای دوره بعد از انقلاب صنعتی تا اواخر قرن بیستم انجام داده‌اند، مشخص شد که سهم بیست درصد فقیر شهروندان دنیا از درآمد جهان در سال ۱۸۲۰، ۴/۵٪ بوده در حالی که در سال ۱۹۹۲ بدتر شده و به ۲٪ رسیده است. این در حالی است که سهم ده درصد ثروتمند شهروندان دنیا از ۴۳/۱٪ به ۵۳/۴٪



افزایش یافته است. همینطور است وضعیت ضریب جینی؛ به گونه‌ای که از  $۰/۵۰۴$  به  $۰/۶۶۳$  افزایش یافته است که نشان دهنده بدتر شدن نابرابری در سطح جهان می‌باشد (بیو، ۱۳۷۶: ۳۲۹).

وضعیت نابرابری و فقر در کشور آمریکا به عنوان کشوری که مظهر نظام سرمایه‌داری است، به هیچ وجه مطلوب نیست. در سال ۱۹۷۳ میلادی سهم درآمد یک‌پنجم پایین‌ترین خانواده‌ها،  $۵/۵$  درصد کل درآمد و سهم درآمد یک‌پنجم بالاترین خانواده‌ها،  $۴۱/۱$  درصد کل درآمد بود و در سال ۱۹۹۱ سهم دسته اول به  $۴/۵$  و دسته دوم به  $۴۴/۲$  رسید و این روند با اندک تغییراتی همچنان ادامه دارد (همان).

طبق برآوردی بر پایه اطلاعات فدرال رزرو<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۰، ارزش خالص ثروت یک درصد بالای جمعیت آمریکا، بیش‌تر از ارزش خالص ثروت ۹۰ درصد پایین جمعیت بود. جالب این‌که دارایی ده خانواده ثروتمند امریکایی روی هم، برابر کل ثروت یک میلیون خانواده متوسط است. نکته مهم‌تر آن‌که ۴۰ درصد پایین جمعیت، بیش از آن‌چه درآمد دارند، بدهکارند (شارون، ۱۳۷۹: ۱۰۱).

جدول (۱) - درصد سهم درآمدی اغنیا و فقرای دنیا و ضریب جینی آن‌ها از سال

۱۹۹۲ - ۱۸۲۰

سال	۱۸۲۰	۱۸۵۰	۱۸۷۰	۱۸۹۰	۱۹۱۰	۱۹۲۹	۱۹۵۰	۱۹۶۰	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۹۲
سهم درآمد ۲۰٪ پایین	۴/۵	۴	۳/۶	۳/۳	۲/۹	۲/۸	۲/۴	۲/۳	۲	۱/۹	۲
سهم درآمد ۱۰٪ بالا	۴۳/۱	۴۵/۶	۴۸	۵۰/۱	۵۱	۵۰/۱	۵۱/۴	۴۹/۷	۵۰/۹	۵۱/۴	۵۳/۴
ضریب جینی	۰/۵۰۴	۰/۵۳۱	۰/۵۶۱	۰/۵۹۲	۰/۶۱۴	۰/۶۲۱	۰/۶۴۱	۰/۶۳۵	۰/۶۵۴	۰/۶۵۷	۰/۶۶۳



همچنین، سهم کشورهای صنعتی نسبت به کشورهای کمتر توسعه یافته در مصرف انرژی نیز قابل ملاحظه جدی است. کشورهای سرمایه‌داری صنعتی با یک ششم جمعیت جهان، ۶۴ درصد صنایع کارخانه‌ای جهان را تولید می‌کنند و بیش از نیمی از انرژی جهان را مصرف می‌نمایند؛ در حالی که دنیای کمتر توسعه یافته با نزدیک به یک پنجم جمعیت جهان، تنها ۱۴ درصد از کالاهای صنعتی را تولید نموده و فقط یک چهارم انرژی جهان را مصرف می‌کند (هیوت و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۷).

افزون بر شکاف درآمدی گسترده - که به اختصار اشاره شد - جهان دچار فقر شدید و مزمن نیز هست. گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۰۸ که در باره فقر ۱۱۵ کشور جهان منتشر شده، حاکی از این است که وضعیت فقر از وسعت و عمق بیشتری برخوردار شده و تعداد فقیران به ویژه افراد دچار فقر شدید، افزایش یافته است. براساس معیار خط فقر شدید (۱/۲۵ دلار در روز) تعداد افراد زیر خط فقر شدید به ۱/۴ میلیارد نفر می‌رسند. این آمار بیان می‌کند تعداد افرادی که در آفریقا زیر خط فقر شدید زندگی می‌کنند، تقریباً دو برابر شده است. این گزارش تاکید می‌کند که افراد فقیری که از فقر مطلق خارج می‌شوند با توجه به استانداردهای اقتصادهای متوسط همچنان فقیر هستند. این گزارش حکایت می‌کند که متوسط خط فقر در کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۰۵ برابر با ۲ دلار در روز بود. براساس ۲ دلار، نرخ فقر از سال ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵ کاهش یافته است. اما تعداد مردم با درآمد کمتر از ۲ دلار، در روز ثابت مانده و برابر ۲/۵ میلیارد نفر هستند. ولی در سایر کشورها این تعداد افزایش یافته و تعداد افرادی که بین ۱/۲۵ و ۲ دلار در روز درآمد دارند تقریباً دو برابر (۱/۱۸ میلیارد نفر) رسیده است.

در سال ۲۰۰۳ میلادی اعضای سازمان ملل بر سر اهداف توسعه هزاره سوم به توافق رسیدند. هدف از این برنامه، کاهش ۵۰ درصدی فقر در جهان تا سال ۲۰۱۵ اعلام شد. حل مشکلاتی از قبیل گرسنگی، بیماری، بی‌سوادی، صدمه به محیط زیست و گسترش آیدز از جمله معیارهای سنجش تحقق این هدف بود. مارک مالوک براون مدیر برنامه توسعه سازمان ملل در تحقق این اهداف تردید کرده و مدعی است در وضعیت خطرناکی بسر می‌بریم، بیش از یک میلیارد نفر، یعنی یک ششم جمعیت جهان، هنوز در فقر شدید زندگی می‌کنند. این افراد روزگار خود را در شرایط نکبت‌بار زاغه‌نشین‌ها می‌گذرانند. وی معتقد است بدون اعمال تغییرات بنیادی، شمار این افراد طی ۳۰ سال آینده دو برابر شده





و تا سال ۲۰۵۰ ممکن است ۳/۵ میلیارد نفر از جمعیت شش میلیاردی شهرنشین زمین در زاغه‌ها زندگی کنند و ادامه این وضعیت مایه شرمساری جهانیان است (کربی، ۲۰۰۳). بر پایه آمار بانک جهانی در سال ۱۹۹۳، تعداد فقیران در کشورهای کمتر توسعه یافته که در وضعیت وخامت بسر می‌برند، حدود یک میلیارد و سیصد میلیون نفر است (تیرل وال، ۱۳۷۸: ۵۳) و در کشورهای سرمایه‌داری صنعتی با همه امکانات و ثروت هنگفتشان ۱۰۰ میلیون فقیر وجود دارد (بانک جهانی، ۱۹۹۵: ۱۸).

مطالب بیان شده حاکی از آن است که نظام سرمایه‌داری، حق افراد جامعه را به میزانی می‌داند که هر یک از افراد از طریق شرکت در رقابت با سایرین در کسب منافع مادی به دست می‌آورند. اگر به بعضی افراد جامعه از طریق بازتوزیع منافع می‌رسد، این به دلیل آن است که منافع سرمایه‌داران به خطر نیفتد. در غیر این صورت، منطق اقتصادی بر رفتارهای دولت و هر نهاد دیگری حاکم نخواهد بود. در این الگو، هر روز صاحبان پول و سرمایه و ثروت، غنی‌تر و سایر مردم ضعیف‌تر می‌شوند و شکاف درآمدی، توسعه می‌یابد. نتیجه این وضعیت، سرمایه‌سالاری در تمام ابعاد جامعه است. صاحبان سرمایه، دولتی را بر جامعه و اقتصاد مسلط می‌کنند که دائماً به نفع آنان تلاش کند.

آیا طرفداران نظام سرمایه‌داری با وجود شکاف درآمدی گسترده و نیز وجود فقر در جوامع سرمایه‌داری می‌توانند مدعی اجرای عدالت اقتصادی باشند؟

پاسخ به این پرسش بستگی به مبانی نظام سرمایه‌داری و تعریف آنان از عدالت و سعادت، حقوق مالکیت افراد و مدل رسیدن به آن حقوق دارد. واقعیت مطلب آن است که طرفداران نظام سرمایه‌داری با توجه به عناصر پیشگفته باید پاسخ مثبت به پرسش پیشین ارائه دهند. چون با توجه به مبانی نظام سرمایه‌داری - که در مباحث پیشین بیان شد - هر کس منافع مادی بیشتری کسب کند و مالکیت خود را بر ثروت و درآمد جامعه بیشتر نماید، سعادت‌مندتر خواهد بود. اگر کسب منافع مادی شخصی و توسعه مالکیت از طریق مدل رقابت آزاد صورت گیرد، هر مقدار هم باشد، حق اشخاص خواهد بود. حتی اگر سرمایه‌داران از طریق مدل رقابت بتوانند منافع مادی زیاد و مالکیت فراوانی بر ثروت و درآمدهای جامعه را با رفتار انحصارگرانه به چنگ آورند، حق آنان خواهد بود. چون چنین انحصاری از درون مدل رقابت برمی‌آید. بنابراین، در نظام سرمایه‌داری، اگر دولت نماینده سرمایه‌داران، اقدام به بازتوزیع از طریق اخذ مالیات می‌کند و یا حداقل دستمزد



کارگران را مشخص می‌نماید، به جهت ادای حق سرمایه‌داران است. چون هدف اصلی چنین اقدامی حفظ منافع سرمایه‌داران و نظام سرمایه‌داری می‌باشد.



## فصل دوم: جایگاه انسان و سرمایه در الگوی دولت‌سالاری اقتصادی و آثار آن

پس از ناکامی نظام اقتصادی سرمایه‌داری در حل مشکلات اقتصادی جامعه بشری طرفداران نظام اقتصادی کمونیسم مدعی شدند که مشکل اصلی در مبانی نظام اقتصادی سرمایه‌داری و اصول متخذ از آن، به‌ویژه در مالکیت خصوصی مطلق است. نتیجه مبانی و اصول متخذ از مبانی نظام اقتصادی سرمایه‌داری، الگوی سرمایه‌سالاری است که مشکلات اجرای این الگو مشخص شد. بنابراین، باید براساس مبانی روشن دیگری اصول اقتصادی متفاوتی را برای حل مشکلات اقتصادی بشر ارائه داد. این مبانی و اصول متخذ از آن، الگوی مورد نظر نظام اقتصادی کمونیسم و نتایج اجرای آن الگو توضیح داده می‌شود.

### مبانی نظام اقتصادی کمونیسم

نظام کمونیسم بر اساس فلسفه ماتریالیسم تاریخی بنیان نهاده شده است. بر اساس این فلسفه، ماده اساس همه واقعات جهان می‌باشد و همه واقعات نسبت به ماده روبنا محسوب می‌شوند. به تناسب پیشرفت و تحول ابزار مادی تولید، نظامات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دگرگون می‌شوند. تحول و تکامل در ابزار تولید، بر اساس اصل تضاد دیالکتیک، موجب تضاد طبقاتی شده و به مرور این تضاد شدت می‌یابد و مناسبات اقتصادی و اجتماعی موجود، دیگر تاب تحمل آن را ندارند، در نتیجه فرو می‌ریزند و نظام اقتصادی و اجتماعی جدید جایگزین آن می‌شود. سرانجام نظام کمونیسم از درون این تحول و تکامل ابزار تولید و نیز تضاد طبقاتی، استقرار می‌یابد. با توضیح درباره نظریه تضاد دیالکتیکی و نظریه مبارزه طبقاتی کمون‌های شش‌گانه، مطالب پیشگفته روشن می‌شوند.



## نظریه تضاد دیالکتیکی

بر پایه این نظریه، تمام پدیده‌های جهان هستی به گونه‌ای بنا نهاده شده‌اند که ضد خود را در نهان خودشان پرورش می‌دهند. از نزاع بین اضداد، حرکت تکاملی برمی‌خیزد و سرانجام شکل سومی که صورت تکامل یافته پدیده می‌باشد، بروز می‌نماید. بنابراین، در باره تمام پدیده‌ها، سه مرحله زیر دایما در حال وقوع است:

۱. تز یا نهاده که عبارت از وضع فعلی هر پدیده است که حاکی از نیرویی می‌باشد که تلاش می‌کند تا وضع فعلی را حفظ نماید.

۲. آنتی تز یا برابر نهاده که عبارت از نیرویی درونی است که در جدال و نزاع با تز بوده و بر ضد آن، عمل می‌کند و در جهت تغییر وضع موجود هر پدیده‌ای می‌باشد.

۳. جریان نزاع بین تز و آنتی تز دایما به نفع آنتی تز تمام شده و سنتز یا هم‌نهاده به وجود می‌آید که خود وضع جدیدی از پدیده می‌باشد. سرنوشت این محصول (سنتز) خود محکوم همان سیر جدالی پیشین است. بدین وسیله، جوامع بشری همیشه با تغییر وضع موجود در مسیر تحوّل به سمت تکامل و پیشرفت است.

نظام مارکسیسم، اقتصاد را زیر بنای امور فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می‌داند. بنابراین، تحوّل در شرایط و پدیده‌های اقتصادی را منشأ تحوّل در شرایط و پدیده‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می‌شمارد. در نتیجه، معتقد است که اصل تضاد دیالکتیک در عرصه تحولات اقتصادی و به تبع آن، در همه عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نیز حاکم است.

## نظریه مبارزه طبقاتی

مارکسیسم بر اساس فلسفه مادی تاریخ، مراحل تکامل تاریخی جوامع بشری را به این نحو ترسیم می‌کند: کمون اولیه، برده‌داری، فئودالی، سرمایه‌داری، سوسیالیسم و کمونیسم. در مرحله کمون اولیه، جامعه بدون وجود طبقات بود. مردم همه با هم کار می‌کردند. همه با هم به شکار حیوانات می‌پرداختند و آنچه به دست می‌آوردند با هم مصرف می‌نمودند. این مرحله به نام مرحله تز بود. اما دیری نپایید که با توجه با کمیابی نسبی برخی امکانات زندگی، ویژگی اختصاص امکانات به انسان‌ها بروز نمود و با شکل‌گیری مالکیت خصوصی، تضاد طبقاتی به وجود آمد. در واقع مرحله تز، آنتی تز را در درون خود پرورش داد. با ایجاد تضاد طبقاتی، صاحبان مالکیت بیشتر، بقیه انسان‌ها را به برده‌گی گرفتند. با



پیروزی برده‌داری، مرحله برده‌داری که سنتز محسوب می‌شود، آغاز گردید. در این مرحله نیز تکامل ابزار تولید، منشأ ایجاد آرایش جدیدی در طبقات اجتماعی شد. در نتیجه تضاد میان شیوه‌های جدید تولید و ساختار کهنه اجتماعی، طبقه فئودالی به وجود آمد. مالکیت بر ابزار تولید توسط برده‌داران توسعه پیدا کرد. مرحله برده‌داری، با گسترش مالکیت خصوصی، تبدیل به تز شد و ضد خود را در درون خود پرورش داد. طبقه برده‌داران به عنوان آنتی‌تز، یعنی مخالفان خواسته‌های برده‌ها شدند. بدین وسیله، تضاد طبقاتی بین طبقه برده‌دار و برده‌ها آغاز شد. از درون این نزاع طبقاتی، طبقه فئودالی به عنوان سنتز سربرآورد. فئودال‌ها، مالکان زمین‌ها بودند. آنان برای بهره‌مندی از منافع بیشتر زمین، طبقه کشاورز را به کار می‌گرفتند و از دسترنج آنان استفاده می‌کردند. بخشی از محصول کشاورزی را به کشاورزان می‌دادند تا قدرتی بگیرند و بتوانند روی زمین‌های فئودال‌ها کار کنند و محصول بیشتری برای آنان تولید کنند. تکامل ابزار تولید در این مرحله نیز منشأ ایجاد آرایش جدیدی در طبقات اجتماعی شد. شکاف درآمدی روز به روز بین کشاورزان و فئودال‌ها بیشتر می‌شد. به دنبال آن، نزاع بین طبقه کشاورز و فئوال‌ها شدید می‌شد. محصول نزاع و جنگ بین تز (طبقه فئودال) و آنتی‌تز (طبقه کشاورز)، سنتز که همان طبقه سرمایه‌دار باشد، ظهور پیدا کرد و نظام سرمایه‌داری شکل گرفت. در این مرحله، هم‌زمان با تکامل ابزار تولید، مرحله سرمایه‌داری به عنوان تز عمل می‌کند. در واقع، طبقه سرمایه‌دار با در اختیار داشتن مالکیت ابزار تولید، به استثمار کارگران می‌پردازد. تضاد طبقاتی بین کارفرمایان که مالکان ابزار تولید هستند و طبقه کارگر به وقوع می‌پیوندد. این تضاد طبقاتی به نزاع و جنگ و خونریزی بین طبقه سرمایه‌دار (تز) و بین طبقه کار (آنتی‌تز) منجر می‌شود. سرانجام با پیروزی طبقه کارگر دوران نظام سرمایه‌داری به سر می‌رسد و نظام سوسیالیسم آغاز می‌گردد. در مرحله نظام سوسیالیسم، حکومت کارگری به وجود می‌آید که کاملاً مالکیت خصوصی ابزار تولید را لغو می‌کند و به نمایندگی از طرف کارگران، مالکیت ابزار تولید را در اختیار می‌گیرد. البته نظام سوسیالیسم، مرحله موقت و گذار برای استقرار نظام کمونیسم است. در این مرحله، مردم آماده ورود به مرحله نظام کمونیسم می‌شوند. مرحله کمونیسم، مرحله جامعه بی طبقه کارگری است. در این مرحله، همه انسان‌ها به قدر توان خود کار می‌کنند و به مقدار نیازشان بهره‌مند می‌شوند. در این مرحله، چون مالکیت ابزار تولید به نحو کامل لغو می‌شود، تضاد طبقاتی از بین



می‌رود و همهٔ مردم به خوشی در کنار هم زندگی می‌کنند. این مراحل، اختصاصی به یک منطقه ندارد؛ بلکه شامل همهٔ مردم و همهٔ جوامع انسانی است. بنابراین، در درازمدت ملت و کشور من معنا ندارد و همهٔ بشریت به مرحلهٔ نهایی می‌رسند و مالکیت ابزار تولید مطلقاً از بین می‌رود و نزاع‌های بشریت خاتمه داده می‌شود (در تبیین مبانی و دیدگاه‌های نظام کمونیسم از این منابع استفاده شده است: فریدون تفضلی، تاریخ عقاید اقتصادی از افلاطون تا دوره معاصر: ۱۵۹ - ۱۶۵؛ شارل ژید و شارل ژیست، تاریخ عقاید اقتصادی، ج ۲: ۱۴۰ - ۱۵۲؛ نمازی، نظام‌های اقتصادی: ۷۲ - ۸۲).

این گونه نگاه به انسان‌ها و جوامع بشری، لوازمی دارد که در ادامه بیان می‌شود.

### لوازم مبانی و اصول نظام اقتصادی کمونیسم

۱. نظام کمونیسم، مالکیت خصوصی را ملغی می‌کند و مردم حق داشتن مالکیت خصوصی را ندارند. همهٔ اموال و دارایی‌ها تحت تملک دولت قرار می‌گیرد.
۲. با توجه به الغای مالکیت خصوصی در نظام اقتصادی کمونیسم، آزادی فعالیت اقتصادی بکلی نیز ملغی شده است. فعالان اقتصادی در این نظام در انتخاب شغل، داشتن مالکیت، میزان و نوع مصرف کالاها و خدمات و ... هیچ‌گونه آزادی ندارند. انتخاب شغل از طرف افراد، بستگی به احتیاجی است که دولت اعلام می‌کند. آنچه افراد تولید می‌کنند هیچ‌گونه آزادی در مصرف آن ندارند و باید تحویل دولت شود تا دولت به‌گونه‌ای که صلاح می‌داند بین مصرف‌کنندگان توزیع نماید.
۳. نیروی کار در نظام کمونیسم در فعالیت‌های اقتصادی نمی‌تواند اهداف شخصی داشته باشند، چراکه نمی‌تواند دارایی داشته باشد و مجبور است به مقدار توان کار کند و به میزان نیاز بهره‌مند گردد. بنابراین، میزان بهره‌مندی تابع میزان تلاش واقعی نیروی کار نیست.
۴. در نظام کمونیسم، مردم و نیروهای کار مطلقاً مالک سرمایه و ابزار تولید نیستند. ثمرهٔ فعالیت اقتصادی آنان عاید مالک آن - دولت - می‌شود. در واقع، در این نظام، هم سرمایه و هم مردم در خدمت دولت هستند.
۵. در نظام اقتصادی کمونیسم، امکان رقابت فعالان اقتصادی مطلقاً وجود ندارد. همهٔ امکانات اقتصادی در انحصار کامل دولت است. بنابراین، اصل رفتاری انحصار بر تمام



فعالیت‌های اقتصادی حاکم است.

۶. براساس آموزه‌های نظام کمونیسم، بازار هیچ نقشی در توزیع ثروت و درآمدهای جامعه ندارد. تنها دولت تعیین‌کننده رابطه مبادله و میزان بهره‌مندی افراد از منافع اقتصادی است.

۷. با اجرای آموزه‌های نظام اقتصادی کمونیسم، فقر گسترده در تمام کشورهای کمونیستی حاکم شد. چون نیروی کار ماهر مشاهده می‌گردد که دست و فکر او تولید می‌کند، اما دهان کسان دیگر مصرف می‌کند. بنابراین، انگیزه فعالیت اقتصادی آنان گرفته می‌شود و حاضر به تلاش به مقدار توان نمی‌شدند. فقر گسترده کشورهای کمونیستی شوروی سابق مثال روشنی برای این مطلب است.

از مطالبی که درباره دو الگوی سرمایه‌سالاری اقتصادی و دولت‌سالاری اقتصادی بیان شد، روشن می‌شود که اشکال اساسی این دو الگوی اقتصادی آن است که برای انسان - عامل اصلی تولید - جایگاه مناسب با شان و جایگاه او قایل نیست. نظام اقتصادی سرمایه‌داری برای تلاش نیروی کار ارزش حداقلی قایل است و به کمک سرمایه، نیروی کار را به خدمت گرفته و دستمزدی به او پرداخت می‌کند. اما نظام اقتصادی کمونیسم هیچ ارزشی برای سرمایه و صاحب سرمایه قایل نیست و آن را در اختیار دولت قرار می‌دهد و به کمک سرمایه در اختیار دولت نیروی کار را به خدمت محض خود درمی‌آورد. بنابراین، عدم توجه جدی به جایگاه مناسب سرمایه و انسان در فرایند اقتصادی عامل اصلی مشکلات اقتصادی، توزیع نامناسب ثروت و درآمد و بی‌عدالتی‌ای است که بر جهان حاکم است.







## فصل سوم: جایگاه سرمایه و انسان در الگوی مردم‌سالاری اقتصادی دینی

آموزه‌های اسلامی، سرمایه را در فرایند اقتصادی عقیم نمی‌داند تا هیچ‌گونه پاداشی به آن اختصاص پیدا نکند. همچنین، برای سرمایه و صاحب آن، چنان جایگاه و نقشی قائل نیست تا صاحبان سرمایه در فرایند اقتصادی تمام مالکیت منابع و محصول تولیدی را در اختیار داشته باشند و به سبب قدرت سرمایه، مدیریت همه فرایند اقتصادی را در چنگ خود بگیرند و مسیر اقتصاد را به هر سویی که می‌خواهند بکشانند و نیروهای فعال حقیقی (نیروی کار ماهر، نیمه ماهر و ساده) از داشتن مالکیت محروم گردند و از داشتن نقش مؤثر در مدیریت اقتصادی محروم باشند و تنها به دستمزد حداقلی اکتفا کنند. بلکه براساس تعالیم اسلامی، سرمایه به تناسب نقشی که در فرایند اقتصادی دارد، پاداش مناسب دریافت می‌کند. اما برای تمام نیروهای فعال اقتصادی (نیروی کار و صاحب سرمایه) جایگاه ویژه‌ای قائل است که باید براساس آن، همه نیروهای فعال اقتصادی در فرایند اقتصادی نقش مؤثری داشته باشند و براساس آن، پاداش مناسب دریافت کنند تا بدین وسیله، مردم‌سالاری دینی اقتصادی شکل بگیرد و عدالت اقتصادی فراگیر شود. اما برای تحقق چنین امری باید مبانی بینشی روشنی برای تعیین جایگاه انسان و سرمایه در عرصه اقتصادی و مدل‌های اجرایی با محوریت انسان و اعضای فعال بنگاه‌های اقتصادی تبیین، طراحی و اجرا شود. ابتدا مبانی این نوع نگاه به جایگاه انسان و سرمایه در فرایند اقتصادی بررسی می‌شود؛ آن‌گاه، مدل‌های مناسب آن ارایه و آثار آن‌ها بررسی می‌شود.

### مبانی الگوی مردم‌سالاری دینی اقتصادی

نوع نگاه و شناختی که انسان نسبت به خدای متعال و رابطه او با انسان و جهان هستی



دارد، همچنین شناختی که نسبت به انسان ارایه می‌دهد، تاثیر جدی در ارایه الگوی مطلوب دارد. هر یک از این سه مقوله در ادامه توضیح داده می‌شود.

### مبانی خداشناختی الگوی مردم‌سالاری اقتصادی

توحید افعالی و عملی نسبت به خدای متعال و نیز جایگاه مناسب برای انسان از منظر اسلام، مبنای طراحی الگوی مردم‌سالاری دینی اقتصادی است. هر یک از این دو مقوله به اختصار تبیین می‌شود.

#### توحید افعالی

در بحث خداشناسی از منظر اسلام، مباحث گوناگونی مطرح است. اما باور راسخ به یگانگی خدای متعال و توحید، اساسی‌ترین باوری است که هم بر تمام معارف اسلامی سایه افکنده است و هم جهت‌گیری خاصی به اعمال و رفتارهای انسان‌ها در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی، از جمله اقتصادی می‌دهد. به همین جهت، بنیانی‌ترین دعوت انبیای الهی شعار «لا اله الا الله» بوده است. نبی گرامی اسلام (ص) این شعار را محور فلاح و سعادت دنیا و آخرت قرار داده و خطاب به مردم فرموده است: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا». (المنزلی، مستدرک سفینه البحار، ج ۹، ۲۹۰؛ النیشابوری، المستدرک، ج ۱، ۱۵). یعنی برای سعادت و فلاح دنیایی و آخرتی تنها باید خدای متعال و همسویی با اراده او در همه عرصه‌ها محور باشد. بنابراین، اگر بخواهیم به الگوی اقتصادی صحیح و کارآمد دست یابیم باید توحید و یگانگی خدای متعال را محور قرار دهیم. توحید، دارای مراتبی است که عبارتند از: توحید ذاتی، توحید صفاتی، توحید افعالی و توحید عملی. اما آن مرتبه‌ای از توحید که به طور مستقیم به عنوان مبانی بینشی الگوی مردم‌سالاری اقتصادی مؤثر است، توحید افعالی و توحید عملی است (مطهری، ۱۳۷۴، ج: ۹۹ - ۱۰۴؛ سبحانی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۷۹ به بعد؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۷۷ - ۳۹۴).

توحید افعالی، به معنای آن است که انسان جهان هستی را فعل خدای واحد بداند و باور داشته باشد که خدای متعال در فاعلیت جهان هستی و نیز در تدبیر آن، هیچ گونه شریکی ندارد. توحید افعالی زیر شاخه توحید نظری است. توحید نظری، از نوع درک و شناختن است و زیر بنا و تکیه‌گاه توحید عملی می‌باشد. در واقع، از توحید نظری به



توحید عملی باید رسید. با بیان توحید افعالی و عملی مشخص می‌گردد که هر یک از این دو نوع توحید در مباحث اجتماعی اسلام از اهمیت فراوانی برخوردار هستند و زیر بنا و تکیه‌گاه فکری مباحث اجتماعی اسلام می‌باشند.

توحید افعالی به دو زیر شاخه توحید در خالقیت و توحید در ربوبیت تقسیم می‌شود. توحید در خالقیت بدین معنا است که جهان هستی تنها یک خالق و علت مستقل دارد. سایر علل در طول خالقیت خدای متعال و وابسته به او هستند. بنابراین، توحید در خالقیت، یک نوع جهان‌شناسی خاصی را ارائه می‌دهد. یعنی رابطه جهان هستی را با خدای متعال به عنوان رابطه خالقیت و مخلوقیت معرفی می‌کند. در قرآن کریم آمده است:

ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَأَعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (انعام: ۱۰۲).  
این است خدا، پروردگار شما: هیچ معبودی جز او نیست، آفریننده هر چیزی است. پس او را بپرستید، و او بر هر چیزی نگهبان است.

مطابق با این آیه، آفرینش جهان هستی اختصاص به خدای متعال دارد و هیچ خالق دیگری در این جهان نیست. این آفرینش همچنان ادامه دارد. حضرت علی (ع) بیان روشنی در این باره دارد:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَلَا تَنْقُضِي عَجَائِبُهُ لِأَنَّهُ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ مِنْ إِحْدَاثِ بَدِيْعٍ لَمْ يَكُنْ ... كَانَتْ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ فِطْرَتَهُ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ هُوَ الصَّانِعُ لَهُنَّ فَلَا مَدْفَعَ لِقُدْرَتِهِ. (الكليني الرازي، الكافي، كتاب التوحيد، ۱۴۱، حديث ۷).

سپاس خدایی را که هرگز مرگ او را فرا نمی‌گیرد و شگفتی‌های وجودش پایان نمی‌پذیرد. چرا که او در هر لحظه‌ای خلقت جدیدی دارد که پیش از آن وجود نداشت ... آسمان‌ها و زمین و هر چیزی که در آن‌ها و بین آسمان و زمین قرار دارد، همه آفریده او هستند و هیچ مانعی برای قدرتش وجود ندارد.

این گفتار حضرت (ع) هم بر خلقت کل عالم به وسیله خداوند متعال دلالت دارد و هم بیانگر استمرار آفرینش او است. همچنین دلالت دارد که قدرت خدا در هر لحظه‌ای در تمام زوایای هستی جاری است.

توحید در ربوبیت، یعنی تنها خدای متعال است که تدبیر عالم هستی را بر عهده دارد و هر نوع مدبّر مستقل دیگری در عالم فرض شود، شرک در ربوبیت نسبت به خدای متعال است. اگر کسی معتقد باشد که خدای متعال جهان هستی را آفریده است و در



تدبیر آن نقشی ندارد و تدبیر عالم هستی به دست مدبّر دیگری غیر از خدای متعال انجام می‌گیرد، کفر نسبت به ربوبیت متعال محسوب می‌شود. خدای متعال در قرآن، ربوبیت جهان هستی را با عباراتی همانند: «رب العالمین، رب السماوات و الارض و رب الناس» به خود نسبت داده است. در یکی از آیات قرآن به رسول گرامی اسلام (ص) دستور می‌دهد: **قُلْ أَغْيِرَ اللَّهُ أْبْنِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ**. (انعام: ۱۶۴).

[ای پیامبر] بگو: «آیا جز خدا پروردگاری بجویم؟ با اینکه او پروردگار هر چیزی است، در آیه دیگری خدای متعال افزون بر نسبت دادن آفرینش جهان به خود، تدبیر و ربوبیت گسترده‌اش را بر تمام عالم هستی، بیان می‌کند. **إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَدْبُرُ الْأُمْرَ**. (یونس: ۳).

پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید. سپس بر عرش استیلا یافت و امر [جهان] را تدبیر می‌کند. سلطه خدای متعال بر عرش، کنایه از آن است که همه عالم هستی تحت اختیار او است و تدبیر هر امری به دست خدای متعال انجام می‌گیرد.

برخی آیات قرآن تصریح دارد که خدای متعال برپا دارنده همه امور جهان است. **اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ**. (بقره: ۲۵۵).

نیست خدایی جز خدای یکتا که زنده و برپا دارنده همه امور است.

در بعضی از آیات و روایات، احاطه گسترده خدای متعال بر تمام عالم بیان شده است. هم به احاطه وجودی (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۲) و هم به احاطه علمی (کلینی، الکافی، ج ۱، ۱۴۲، ح ۷؛ شیخ صدوق، التوحید، ۳۳، ح ۱). اشاره شده است. قرآن می‌فرماید: **كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا** (نساء: ۱۲۶).

خداوند بر همه اشیای عالم مسلط است.

امام علی (ع) نیز در سخنان بسیاری، تدبیر همه امور دنیا و آخرت را در دست خداوند معرفی می‌کند؛ (شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ۴۲۷، ح ۱۲۶۳) و گستردگی ربوبیت خدای متعال را چنان می‌داند که هیچ چیز خارج از دایره تدبیر او نیست؛ (شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ۲۰۱؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ۴۹۴، ح ۱۲۴). همچنین در تدبیرش به شریکی نیاز ندارد (شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ۲۲۳؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ۴۷۵، ح ۱۱۴). تدبیر



الهی را چنان نافذ می‌داند که گاهی تصمیم‌های دقیق بندگان را در هم می‌ریزد و او را به سمتی می‌برد که خواسته وی نیست (شیخ صدوق، ۱۳۹۸ق، ۲۸۸، ح ۶).

همچنین، در نهج‌البلاغه می‌فرماید:

لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ وَالْغَلْبَةُ لِكُلِّ شَيْءٍ وَالْقُوَّةُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۵).  
بر همه چیز احاطه و غلبه دارد و توانا بر هر امری است.

همچنین در روایت دیگری آمده است:

كُلُّ شَيْءٍ خَائِضٌ لَهُ وَ كَلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِهِ غِنَىٰ كُلِّ فَقِيرٍ وَ عِزُّ كُلِّ ذَلِيلٍ. (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۴، ۳۱۷، ح ۴۳).

همه چیز خاشع برای او و قائم به او هستند. او بی‌نیاز کننده هر فقیری و عزیز دارنده هر ذلیلی است.

با توجه به آنچه گذشت، معلوم است که خدای متعال، خالق و مدبّر مستقل تمام هستی است. باور و اعتقاد قطعی به این که خدای متعال خالق و مدبّر مستقل تمام هستی است، همان توحید افعالی است.

### توحید عملی (توحید در عبادت)

توحید نظری از نوع شناختن است؛ اما توحید عملی یا عبادی، از نوع «بودن» و «شدن» است. توحید نظری: تفکر و اندیشیدن راستین، درک و شناختن کمال، فهمیدن «یگانگی» خدا است. توحید عملی، «بودن» و «شدن» راستین، حرکت در جهت رسیدن به کمال و «یگانه شدن» انسان در مسیر خدا است. در واقع، توحید نظری «دیدن»، و توحید عملی «رفتن» است (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۲، ۱۰۴). مطالب با کمی تغییرات در عبارات نقل شده است.

توحید عملی و عبادی بدان معنا است که انسان مسلمان در عمل، هر نوع جهت‌گیری عملی، تعیین اهداف و ایده‌آل‌ها را باید به سمت یگانه شدن در مسیر اراده الهی قرار دهد. در واقع این نوع یگانه شدن، توحید عبادی و عملی است. توحید عملی در تمام عرصه‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی باید نمود و جلوه پیدا کند. انسان بعد از توحید نظری، در عمل باید موّحد باشد و تمام اعمال و اراده و خواست خود را همسو با خواست و اراده الهی نماید. در عمل چیزی غیر از خدای متعال را نخواهد. این سخن رسول خدا «قولوا لا اله



«إلا الله تفلحوا» دستور به توحید عملی در تمام عرصه‌های زندگی است. این بیان رسول الله (ص) همان توحید عملی ابراهیمی است که در قرآن آمده است:  
 إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (انعام: ۷۹).  
 من از روی اخلاص، پاکدلانه روی خود را به سوی کسی گردانیدم که آسمانها و زمین را پدید آورده است؛ و من از مشرکان نیستم.

کما این که در آیه دیگری خدای متعال دستور می‌دهد:  
 قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ. (انعام: ۱۶۲ و ۱۶۳).

بگو: «در حقیقت، نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان است. او [خدا] را شریکی نیست، و بر این [کار] دستور یافته‌ام، و من نخستین مسلمانم.

بنابراین، توحید عملی در عرصه اقتصادی آن است که هدف همه فعالیت‌های اقتصادی باید خدای متعال و همسو با اراده تکوینی و تشریحی او باشد. این همسویی با خواست و اراده الهی هم در تکوین است و هم در تشریح. در تکوین، هدایت تکوینی خدای متعال برای همه موجودات عالم، جاری و ساری است. هدایت تکوینی خدای متعال به معنای به فعلیت در آوردن استعدادها و به کمال رساندن آنان است. در قرآن آمده است:  
 قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى (طه: ۵۰).

[موسی (ع)] گفت: پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه لازمه آفرینشش بود، داد؛ سپس هدایتش کرد.

انسان بین موجودات عالم دارای ویژگی دیگری به نام عقل و اختیار است. انسان با عقل و اختیار خود در همه عرصه‌های فردی و اجتماعی درصدد تعیین مسیر حرکت است. اما با توجه به عوامل انحراف فراوان و هواهای نفسانی، عقل ممکن است اختیار انسان را به انحراف از مسیر توحید عملی بکشد.

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا. (انسان: ۵۰).

ما راه را به او [انسان] نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس!  
 به مقتضای این آیه، انسان ممکن است در مسیر هدایت به انحراف کشیده شود. کما اینکه در آیه دیگری آمده است:



عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ. (بقره: ۲۱۶).

بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است، و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است، و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

بنابراین، بشر افزون بر هدایت تکوینی، برای اینکه به سعادت و کمال برسد و در عرصه‌های فردی و اجتماعی، توحید عملی داشته باشد، نیازمند به هدایت تشریحی خدای متعال است. هدایت تشریحی انسان، به معنای نشان دادن راه کمال و سعادت از طریق پیامبران و حجّت‌های بیرونی است. کما این که خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (جمعه: ۲).

او خداوندی است که در میان مردم درس‌ناخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها می‌خواند، آن‌ها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد؛ هر چند پیش از این در گمراهی آشکار به سر می‌بردند.

روشن است که این آیه نیاز بشر به وحی برای رسیدن به کمال و سعادت را بیان می‌کند. در برخی روایات ما نیز آمده است که انسان برای رسیدن به سعادت، نیاز به هدایت تشریحی خدای متعال دارد (حرّ عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۷: ۴۵).

## نتایج و تحلیل

۱- اعتقاد به خدایی با اوصاف بیان شده، کاملاً از باورهای نظام اقتصادی سرمایه‌داری و کمونیسم متفاوت است. متفکران نظام اقتصادی سرمایه‌داری وقتی نسبت به توحید در ربوبیت خدای متعال، کفر ورزیدند، ناچار شدند خاستگاه کشف و طراحی نظام اقتصادی خود را اراده و خواست انسان قرار دهند. متفکران نظام اقتصادی کمونیسم نیز با انکار خدای متعال، ماتریالیسم تاریخی را خاستگاه کشف و طراحی نظام اقتصادی خود قرار دادند. اما براساس تعالیم اسلامی، توحید افعالی و عملی به گونه‌ای که بیان شد، امر مسلم و قطعی است. بنابراین، در طراحی الگوی مردم‌سالاری اقتصادی باید توحید افعالی و عملی به عنوان مبنا و خاستگاه کشف و طراحی آن قرار گیرد. این الگو باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شود تا همه فعالان اقتصادی در درون الگوی اقتصادی رو به سوی خدای



متعال را هدف فعالیت اقتصادی خود قرار دهند. به عبارت دیگر، این الگوی باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شود که هدف الگو، یگانه شدن به سمت خدای متعال باشد. همه رفتارها و روابط و نیز نهادهای اقتصادی الگو با لحاظ توحید افعالی و عملی خدای متعال، طراحی و اجرا شوند.

۲- اعتقاد به توحید در ربوبیت و عملی خدای متعال در عرصه اقتصادی، باعث می‌شود که انسان‌ها افزون بر بهره‌مندی از حس و عقل، از آموزه‌های وحیانی در تنظیم روابط اقتصادی خود بهره‌مند شوند. جهت‌گیری رفتارها و روابط انسانی بر اساس خواست و اراده الهی تنظیم شود. وحی، حتی به حس و عقل انسان جهت خاصی برای ایفای نقش مفید در تنظیم رفتارها و روابط اقتصادی می‌دهد. چراکه بدون آموزه‌های وحیانی، وظیفه عقل آن است که در جهت ارضای خواهش‌های نفسانی و شهوات انسان باشد. بنابراین، بدون اعتقاد به توحید در ربوبیت و عملی خدای متعال، هیچگاه انسان نمی‌تواند در عرصه اقتصادی به اهداف و سعادت دست یابد.

۳- تنها با اعتقاد به توحید در ربوبیت و عملی خدای متعال، می‌توان به اسباب و علل غیر مادی در عرصه اقتصادی باور داشت. این باور، افزون بر آن که باعث می‌شود انسان‌ها از ابزارهای معنوی برای بهبود وضعیت اقتصادی خود بهره ببرند، موجب می‌شود تا انسان معتقد شود که با کمک به دیگران، روزی افزایش می‌دهد. چون بر پایه برخی از آموزه‌های وحیانی، صدقه و کمک به دیگران باعث افزایش رزق و روزی انسان می‌شود.

### مبانی انسان‌شناختی الگوی مردم‌سالاری دینی اقتصادی

از منظر آموزه‌های اسلامی، انسان بین همه آفریده‌های الهی، دارای جایگاه ممتازی است. خدای متعال در بیانی، وقتی داستان آفرینش انسان را شرح می‌دهد، به خود آفرین می‌گوید:

فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (مؤمنون، آیه ۱۴).

آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است.

این تعبیر افزون بر آن که بر عظمت خالق دلالت دارد، جایگاه رفیع مخلوق و انسان را نیز نشان می‌دهد. به جهت همین جایگاه، در آیه دیگری انسان مورد تکریم خداوند قرار گرفته است:





لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ (اسراء: ۷۰).

به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم.

به جهت عظمت وجودی انسان، وی مسجود ملائکه قرار گرفته است.

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا (بقره: ۳۴).

و چون فرشتگان را فرمودیم: «برای آدم سجده کنید»، پس سجده کردند.

وقتی انسان چنین ویژگی‌های پیدا کرد، مقام جانشینی خدا به او داده شد:

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ. (انعام: ۱۶۵).

اوست خدایی که شما را جانشین خود در زمین قرار داد.

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً (بقره: ۳۰).

ای پیامبر، به یاد آور! هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین

جانشین قرار خواهم داد.

در واقع، خدای متعال بار امانت الهی را بر دوش انسان نهاد. این بار امانت برای انسان

مسئولیت و تکلیف می‌آورد. این بار امانت به جهت تکلیف و مسئولیت سنگینی که متوجه

انسان می‌کرد، هیچ موجود دیگری آن را نپذیرفت.

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (احزاب: ۷۲).

ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم، پس، از برداشتن

آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند، و [الی] انسان آن را برداشت؛ راستی او ستمگری

نادان بود.

باتوجه به جایگاه انسان خدای متعال تمام نعمت‌های الهی را برای انسان آفریده است:

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا (بقره ۲): (۲۹): او خدایی است که همه آنچه را

(از نعمت‌ها) در زمین وجود دارد، برای شما (انسان‌ها) آفرید.

خدای متعال در آیه دیگری بهره‌مندی همه مردم از نعمت‌های الهی را بر خود لازم کرده

است: مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا (هود ۱۱): (۶): هیچ جنبنده‌ای در زمین

نیست مگر آن که روزی او بر عهده خدا است.

با توجه به مبانی اسلامی در باره جایگاه انسان در عالم آفرینش می‌توان مطالب زیر را

نتیجه گرفت:



۱. در هیچ آیه و روایتی بیان نشده است که این جایگاه به برخی انسان‌ها اختصاص دارد و سایرین از آن بی‌بهره هستند.

۲. هیچ تخصیص و استثنایی وجود ندارد که آن جایگاه رفیع برای انسان در عرصه اقتصادی نیست و تنها مربوط به عرصه مثلاً اخلاقی و عرفانی است.

۳. هیچ تخصیص و استثنایی وجود ندارد که دلالت کند برخی از انسان‌ها حق بهره‌مندی از نعمت‌های الهی را دارند و سایرین چنین حقی ندارند.

این نوع نگاه به انسان اقتضا دارد تا الگوی اقتصادی اسلام به گونه‌ای طراحی و اجرا شود تا بستر لازم برای همه انسان‌های فعال در فرایند اقتصادی فراهم گردد تا به جایگاه مناسب خود دست پیدا کنند. این امر در صورتی امکان دارد که مردم‌سالاری اقتصادی دینی در عرصه اقتصادی به‌جای سرمایه‌سالاری اقتصادی حاکمیت پیدا کند. بدین وسیله، الگوی اقتصادی باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شود تا سرمایه در خدمت همه انسان‌های فعال اقتصادی قرار گیرد. متناسب با این نوع نگاه، باید زمینه فعالیت اقتصادی به گونه‌ای فراهم شود تا حدالمقدور همه فعالان اقتصادی، مالک منابع و محصول تولیدی باشند و در مدیریت فرایند اقتصادی نقش مؤثری ایفا کنند. همچنین، همه انسان‌هایی که خواهان فعالیت اقتصادی در چارچوب مالکیت خصوصی فردی هستند، آزادی اقتصادی داشته باشند تا متناسب با اهداف و انگیزه‌های شخصی خود فعالیت اقتصادی را دنبال کنند و با اجرای الگوی اقتصادی مورد نظر، زمینه تکریم و بهره‌مندی همه انسان‌ها از نعمت‌ها فراهم شود.

بنابراین، براساس مبانی انسان‌شناختی الگوی مردم‌سالاری دینی اقتصادی، وقتی انسان توسط خدای متعال آفریده شد، خداوند به جهت عظمت وجودی او به خود آفرین گفت؛ به همین جهت او را مورد تکریم قرار داد؛ سپس دستور داد فرشتگان بر او سجده کنند، آن‌گاه جانشینی خود را در زمین به او داد و پس از آن، مسئولیت و امانت را به او سپرد. این جایگاه برای انسان در تعالیم اسلامی نسبت به انسان‌ها و عرصه‌های زندگی هیچ تخصیصی نخورده است. یعنی کسی نمی‌تواند بگوید منظور آیه قرآن همه انسان‌ها و همه عرصه‌های زندگی نیست؛ بلکه این جایگاه اختصاص به بعضی از انسان‌ها دارد و تنها به عرصه اخلاقی و عرفانی مختص است. معلوم است که منظور آیه قرآن همه انسان‌ها و مربوط به همه عرصه‌های زندگی از جمله عرصه اقتصادی است. بنابراین،



الگوی مردم‌سالاری اقتصادی باید به گونه‌ای کشف، طراحی و اجرا شود تا بستر این جایگاه برای همهٔ انسان‌ها در عرصهٔ اقتصادی فراهم شود. اگر یک الگوی اقتصادی به نام اسلام از تعالیم اسلامی کشف، طراحی و اجرا شود؛ آن‌گاه با وجود نعمت‌های فراوان الهی در جامعه، بخش عظیمی از مردم در فقر و تنگدستی باشند یا توزیع امکانات اقتصادی موجب شکاف درآمدی مستمر گردد که این شکاف درآمدی فقرزایی نظام اقتصادی را نهادینه کند، هرگز نمی‌توان گفت چنین نظام اقتصادی متناسب با جایگاه معرفی شده برای انسان از سوی خدای متعال است.

با توجه به مطالبی که دربارهٔ مبانی الگوی مردم‌سالاری اقتصادی بیان شد، جایگاه انسان و سرمایه در فرایند اقتصادی متفاوت از نظام سرمایه‌سالاری و دولت‌سالاری اقتصادی تعیین می‌شود. در الگوی مردم‌سالاری دینی اقتصادی، سرمایه عقیم فرض نمی‌شود، بلکه به میزان نقشی که سرمایه و صاحب آن در فرایند تولید کالاها و خدمات دارد، بهره‌مند خواهد بود. اما انسان و نیروی کار (نیروی کار ماهر، نیمه‌ماهر و ساده) همانند نیروی کار در نظام اقتصادی سرمایه‌داری تنها یک دستمزد حداقلی دریافت نمی‌کند و تمام منافع متعلق به سرمایه و صاحب سرمایه نیست یا همانند نظام دولت‌سالاری اقتصادی کمونیستی نیست که به هر مقداری تلاش کند تنها به مقداری که دولت تعیین می‌کند بهره‌مند است؛ بلکه سرمایه در خدمت تمام نیروهای فعال اقتصادی است. همهٔ انسان‌ها و نیروهای فعال اقتصادی با داشتن مالکیت منابع تولیدی، افزون بر دریافت دستمزد مناسب، از سرمایه بهره‌مند می‌شوند و در مدیریت فرایند اقتصادی نقش جدی دارند. بدین وسیله، جایگاه انسان و نیروهای فعال حقیقی در برابر سرمایه افزایش می‌یابد. بنابراین، با توجه به مبانی بیان شده مجموع مدل‌های مردم‌سالاری دینی اقتصادی باید دارای ویژگی‌های ذیل باشند:

۱- براساس مبنای خداشناسی اسلامی، توحید افعالی و عملی، خاستگاه طراحی مدل‌های اقتصادی و مردم‌سالاری اقتصادی است. به عبارت دیگر، توحید افعالی و عملی به عنوان پشتوانهٔ فکری، فلسفی و کلامی مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی دینی است. براساس توحید افعالی به این نتیجه رسیدیم که خدای متعال خیر و کمال محض و خالق جهان هستی است. همهٔ جهان هستی - ماسوای الهی - به سمت خدای متعال یعنی خیر و کمال محض در حرکت هستند. همچنین، در بحث توحید عملی بیان شد که انسان



موّحد در تمام عرصه‌ها رفتار و فعالیت‌های خود را باید به گونه‌ای ساماندهی کند تا او را در مسیر کمال و خیر مطلق - خدای متعال - قرار دهد. بر پایه‌ی مطالب بیان شده، مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی باید براساس تعالیم اسلامی به گونه‌ای کشف و طراحی و اجرا شوند تا بستر حرکت به سمت خیر و کمال مطلق برای همه‌ی مردم فراهم شود و همه‌ی آنان به سعادت برسند. این امر در صورتی ممکن است که مدل‌های اقتصادی هم‌ظرفیت‌تأمین انواع انگیزه‌های مشروع فعالان اقتصادی را داشته باشند و هم رفاه را برای عموم مردم و فعالان اقتصادی فراهم نمایند و هم کرامت انسانی در مدل‌های اقتصادی حفظ شود. مدل‌های اقتصادی با چنین ویژگی می‌توانند بستر سعادت واقعی را برای فعالان اقتصادی و همه‌ی مردم را فراهم کنند. در ادامه روشن می‌شود که مجموع مدل‌هایی که تحت عنوان مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی دینی ارایه می‌شوند دارای چنین ظرفیتی هستند.

پیش از این روشن شد که مبانی نظام اقتصادی سرمایه‌داری تنها ظرفیت تاسیس مدل سرمایه‌سالاری را دارند و مبانی نظام اقتصادی کمونیسم و سوسیالیسم فقط ظرفیت تاسیس مدل دولت‌سالاری اقتصادی را دارند. هر مدل اقتصادی اگر پشتوانه‌ی فلسفی و کلامی قابل دفاع نداشته باشد، هرچند مدل مطلوبی باشد، در برابر سایر مدل‌هایی که دارای پشتوانه‌ی فلسفی و کلامی هستند توان مقاومت نخواهند داشت و محکوم به شکست خواهند بود. البته نظام‌های اقتصادی مبتنی بر مبانی فلسفی و کلامی نیز در نزاع جدی فکری براساس مبانی خواهند بود. اما این قبیل نزاع، طولانی مدّت و با افت و خیزهای طولانی همراه می‌باشد. جریان اقتصادی نظام سرمایه‌داری و سوسیالیسم مثال روشنی برای این امر است. اما جریان تعاونی‌های موفق راچدیل که یک جریان اقتصاد تعاونی بوده است، به جهت این که پایگاه فلسفی و کلامی برای دفاع در برابر همه‌های نظام سرمایه‌داری و سوسیالیسم نداشت، نتوانست فراگیر و پایدار باشد. امروز شاهدیم که در کشورهای سرمایه‌داری یا کشورهایی با گرایش سوسیالیسم، تعاونی‌های کاذب یا شبه تعاونی تشکیل می‌شوند و از جریان اقتصادی تعاونی واقعی خبری نیست (طالب: ۱۳۷۶ ش: ۱۱؛ کالن: ۱۳۵۰ ش، ج ۲: ۱۹۶) یا اگر تعاونی‌های نسبتاً موفقی همانند بنگاه‌های اقتصادی کارگر - مالک موندراگون تاسیس شده‌اند، براساس مبانی فلسفی و کلامی دین



مسیحیت می‌باشد نه براساس مبانی نظام اقتصادی سرمایه‌داری.<sup>۱</sup> باید توجه داشت که هرچند این قبیل بنگاه‌های اقتصادی در درون کشورهای سرمایه‌داری تشکیل می‌شوند، اما جریان سرمایه‌سالاری نظام سرمایه‌داری هرگز اجازه نمی‌دهد که این قبیل بنگاه‌های اقتصادی به عنوان یک رقیب جدی آن در عرصه بین‌المللی به‌نحو گسترده و پایدار بروز نمایند.

۲- لازمه اعتقاد به توحید ربوبی تکوینی و تشریحی و نیز توحید عملی خدای متعال، آن است که در مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی افزون بر استفاده از عقل و حس باید از وحی و نظام تشریح احسن استفاده شود. به عبارت دیگر مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی دینی باید در چارچوب موازین و معارف اسلامی باشد.

۳- با توجه به نتایج انسان‌شناسی اسلامی در فرایند اقتصادی و در مجموع مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی دینی باید جایگاه خلیفه بودن، مورد تکریم قرار گرفتن و متنعم به نعمت‌های الهی برای همه فعالان اقتصادی فراهم باشد.

در ادامه مدل‌های اقتصادی اسلامی که بستر الگوی مردم‌سالاری اقتصادی دینی را فراهم می‌کنند بررسی می‌شوند. از آنجایی که هر یک از این مدل‌ها بحث‌های فقهی فنی گسترده‌ای دارند، از طرح مباحث فقهی فنی آن‌ها در این نوشتار خودداری می‌شود و اجمالاً بیان می‌گردد که تمام این مدل‌ها مبتنی بر مبانی اسلامی و در چارچوب موازین فقهی ارایه می‌شود.





## فصل چهارم: مدل‌های اجرایی الگوی مردم‌سالاری اقتصادی دینی

### مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام

در این مدل، هر سه گروه فعال اقتصادی (صاحبان سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کنندگان) در کنار هم قرار می‌گیرند و اهداف همه آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی تامین می‌شود و همه آن‌ها در تصمیم‌گیری در امور مهم اقتصادی سهیم هستند. چون در این مدل، هر یک از اعضا، هم مصرف‌کننده، هم تولیدکننده و هم صاحب سرمایه است. به جهت همین ویژگی به نام بنگاه اقتصادی مردم‌سالاری تام نام‌گذاری شده است. در این مدل، هدف فعالان اقتصادی، رفع نیازهای خود و سایر فعالان اقتصادی است. این امر بدان معنا نیست که اعضای فعال این مدل حق ندارند به قصد بهره‌مندی بیشتر از امکانات مادی به عضویت آن درآیند، بلکه مدل اقتصادی مردم‌سالاری تام به گونه‌ای طراحی و اجرا می‌شود که رفع نیازهای مادی همه اعضا هدف اولی و اصلی مدل می‌باشد و ساختار درونی مدل این امر را محقق می‌کند، حتی اگر فعالان اقتصادی به این نتیجه برسند که با عضویت در چنین مدل اقتصادی نسبت به سایر مدل‌های اقتصادی منافع مادی آن‌ها بیشتر خواهد شد و به قصد سود بیشتر به عضویت این مدل اقتصادی درآیند.

برای تحقق این مدل باید مصرف‌کنندگان، تولیدکالاها و خدمات مورد نیاز خود را بر عهده گیرند. این مدل با طرح سه مرحله‌ای اجرایی می‌شود: در مرحله اول، بنگاه‌های اقتصادی توزیع و مصرف تشکیل می‌شود؛ در مرحله دوم، با تاسیس بنگاه‌های تولیدی، کالاهای مورد نیازشان را تولید می‌کنند و در مرحله سوم، با تولید مواد اولیه کالاهای، حلقه اقتصادی را کامل می‌نمایند. با توضیح مختصر هر سه مرحله، ابعاد این مدل روشنتر می‌شود.



همه افراد جامعه با قبول مسئولیت و تکالیفی که متوجه آنان هست و قادر به انجام آن باشند، حق بهره‌مندی از آزادی عضویت در این قبیل بنگاهها را دارند. آنان با خرید یا پذیرش تعهد حداقل یک سهم می‌توانند به عضویت این قبیل بنگاه‌های اقتصادی درآیند. با توسعه و تمرکز بنگاه‌های توزیع و مصرف، شعاع عمل وسیعی برای آن‌ها در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی فراهم می‌شود. با توسعه بنگاه‌های اقتصادی توزیع و مصرف که تحت نظر اتحادیه‌های محلی، منطقه‌ای و ملی فعالیت می‌کنند، حجم فروش کالاها گسترده می‌شود. بنگاه‌های توزیع و مصرف، کالاها را به قیمت بازار آزاد به مصرف‌کنندگان عرضه می‌کنند. آن‌ها منافع قابل توجهی از طریق جمع‌آوری سرمایه‌های کوچک و مازاد فروش بین قیمت خرید و فروش به قیمت بازار آزاد، به دست می‌آورند. آنان با گسترش فعالیت اقتصادی در این مرحله، دو هدف عمده را دنبال می‌کنند:

۱. به دست آوردن سرمایه کافی جهت راه‌اندازی بنگاه‌های تولیدی مرحله بعدی.
۲. مهمتر از هدف اول، به دست آوردن بازار لازم و مطمئن برای تولیدات است. چون با داشتن تعداد قابل قبول اعضا، با اعتماد و اطمینان بیشتری اقدام به تاسیس بنگاه‌های تولیدی می‌کنند.

تاکید می‌شود، اتحادیه‌هایی که در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی در طول هم تشکیل می‌شوند، انواع هدایت‌ها و حمایت‌ها از قبیل: کمک‌های مالی، بازاریابی، فنی و ... را برای بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تأمّ ارایه می‌دهند و در کنار آن‌ها، بر فرایند فعالیت‌های اقتصادی سه مرحله پیشگفته نظارت می‌کنند تا آن‌ها از چارچوب رعایت اصول خود خارج نشوند.

مرحله دوم: در این مرحله با استفاده از سرمایه‌های جمع‌آوری شده از طریق فروش سهام به اعضا و ذخایر حاصل از فعالیت‌های اقتصادی مرحله اول، منابع قرض‌الحسنه و کمک‌های دولتی، کارخانه‌های تولیدی تاسیس می‌شوند. با تاسیس این قبیل واحدهای تولیدی، کالاهای مصرفی اعضا به دست خودشان یا تحت نظارت آن‌ها تولید و عرضه می‌شوند. به عبارت دیگر، مصرف‌کنندگان، کالاهای مورد نیاز خودشان را تولید می‌کنند یا تحت نظارتشان تولید می‌شوند. واحدهای تولیدی، کالاهای ضروری اعضا را در اولویت تولید قرار می‌دهند. بنگاه‌های تولیدی برای میزان تولید خود، از پیش میزان تقاضا را به طور تقریبی اطلاع دارند. چون اغلب مشتریان آن‌ها، اعضای همین





بنگاههایی هستند که در مرحله اول به عضویت درآمدند و به تعداد زیادی افزایش یافته‌اند. البته، در صورتی که مشکلی برای بنگاهها ایجاد نشود، کالاهای تولیدی را نیز می‌توانند به غیر اعضا بفروشند. بدین ترتیب، بین تقاضا و تولید تعادل ایجاد می‌شود. همچنین، به موازات پذیرش اعضای جدید و توسعه بنگاه، اعضای جدیدی جذب و مشغول به کار می‌شوند. یعنی از یک سو دائماً اشتغال را افزایش می‌دهند و از سوی دیگر، میزان اشتغال را با میزان تقاضا و تولید هماهنگ می‌کنند. بنابراین، موجب ایجاد اشتغال و رفع بیکاری متعادل در اقتصاد می‌شوند.

مرحله سوم: در این مرحله، بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام باید راساً مواد اولیه کالاهای خودشان تولید کنند. با خرید زمین، تهیه مواد اولیه از طریق معادن و ... تامین مواد اولیه مورد نیاز کارخانه‌های تولیدی را فراهم می‌کنند. بدین ترتیب، با فرض این که همه مراحل تولید، تبدیل، بسته‌بندی، توزیع و مصرف و ... توسط خود اعضا انجام می‌شود، تاخت و تاز بنگاه‌های سرمایه‌داری خصوصی کنترل می‌گردد. با تاسیس این قبیل بنگاه‌های مردم‌سالاری تام به نزع بین کارگران و کارفرمایان و مصرف‌کنندگان پایان داده می‌شود. این نزع در نظامات اقتصادی که مبنا را بر بخش خصوصی سرمایه‌داری قرار داده‌اند، امری پایدار و خسارت‌بار است. در این قبیل نظام‌های اقتصادی، کارفرما با تاسیس بنگاه‌های اقتصادی به دنبال سود حداکثری خود است. لازمه تحصیل سود اکثری کاهش هزینه‌ها است. یکی از اقسام مهم هزینه‌ها دستمزد نیروی کار است. بنابراین، همه تلاش خود را انجام می‌دهد تا دستمزد حداقلی به نیروی کار پرداخت کند. از سوی دیگر نیروی کار با عرضه کار خود انتظار دستمزد حداکثری از کارفرما دارد. لازمه دریافت دستمزد حداکثری کاهش سود کارفرما است. بنابراین، بین منافع کارفرما و نیروی کار تضاد جدی و پایداری وجود دارد. این تضاد منافع و نزع، مشکلات فراوانی در عرصه اقتصادی و اجتماعی ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، بین کارفرما و عرضه‌کنندگان کالا از یک سو و بین مصرف‌کنندگان از سوی دیگر نیز تضاد و نزع تمام‌نشدنی وجود دارد. عرضه‌کننده کالا با عرضه کالا درصد سود حداکثری است. عرضه‌کننده برای این که به سود حداکثری برسد از تمام شرایط بازار استفاده و سوء استفاده می‌کند حتی با احتکار و تبلیغات خلاف واقع و ... تا کالایش را به حداکثر قیمت بفروشد. در طرف دیگر مصرف‌کننده، با مقدار ثابت درآمد ماهانه برای تامین حداکثر نیازهای مادی وارد بازار می‌شود.



اما مرتب با افزایش قیمت کالاها مواجه می‌شود. این نزاع بین سه گروه فعالان اقتصادی، آثار زیان‌باری به دنبال دارد. این نزاع برای جامعه اسلامی که مبنای وحدت را در همه عرصه‌ها اصل مسلّم قرار داده است، زیان‌بارتر است. اما این نزاع در بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تامّ منتفی می‌شود. چون هر عضو این بنگاه‌ها صاحبان سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کننده هستند.

با توافق اعضا و تصویب هیات مدیره، سود متناسبی به سرمایه‌آنها تعلق می‌گیرد. همچنین، نیروی‌های کار، از دست‌مزد مناسبی بهره‌مند می‌شوند. اعضای غیر شاغل که تنها اقدام به خرید کالاها و تولیدی جهت مصرف می‌کنند، افزون بر دریافت سود سهام متناسب، کالاهای با کیفیتی خریداری می‌کنند. همچنین، در پایان دوره مالی مبلغی تحت عنوان مازاد برگشتی دریافت می‌نمایند. البته، از این مزیت نیز تمام اعضای شاغل نیز بهره‌مند هستند. بنابراین، اهداف هر سه گروه: صاحبان سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کنندگان در این قبیل بنگاه‌ها تامین می‌شود و نزاع بین آنان برطرف می‌گردد.

با توجه به مطالبی که در پایان مرحله دوم و سوم بیان شد، با اجرایی کردن هر سه مرحله، رفاه عمومی برای همه اعضا، بلکه برای عموم مردم به سمت بهبودی پیش می‌رود. چون این بنگاه‌ها دائماً در صدد توسعه فعالیت‌های اقتصادی خود و ایجاد زمینه اشتغال برای همه مردم هستند. همچنین، واسطه بین مصرف‌کننده و تولیدکننده از بین می‌رود و بخش مهمی از درآمد مصرف‌کنندگان که به واسطه‌ها می‌رسید، برای مصرف‌کننده صرفه جویی شده و قدرت خرید آنان افزایش می‌یابد. افزون بر آن، سودی که از طرف مصرف‌کنندگان قبلاً به سرمایه‌داران می‌رسید، به نفع مصرف‌کنندگان، صرف انجام امور تولیدی یا موجب افزایش قدرت خرید آنان می‌شود.

## ویژگی‌ها و پیامدها

این مدل دارای ویژگی‌ها و پیامدهای ذیل است:

۱. مالکیت در این مدل، از نوع مالکیت خصوصی مشاعی فراگیر تامّ است. یعنی هر سه گروه فعال اقتصادی (صاحب سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کننده) به مقداری واجد مالکیت هستند که به اعتبار آن، حق تصمیم‌گیری در امور اقتصادی بنگاه را پیدا می‌کنند. مالکیت در این قبیل بنگاه‌های اقتصادی اگرچه خصوصی است، اما به جهت فراگیر بودن



آن افزون بر کارکرد اقتصادی، دارای کارکرد اجتماعی است. یعنی هر یک از اعضای فعال در چنین بنگاه‌های به‌مقداری مالک هستند که در تمام فرایند مدیریت اقتصادی نقش جدی دارند. این نوع حضور نیروی کار در تمام فرایند تصمیم‌گیری باعث رشد و تعالی روحی و فکری نیروی کار می‌شود و توان مشارکت آنان را در امور اجتماعی و اقتصادی افزایش می‌دهد.

۲. مردم‌سالاری اقتصادی دینی محقق می‌شود. چون با توجه به مالکیت خصوصی مشاعی فراگیر تام و نیز اصل مدیریت همگانی، هر سه گروه فعال اقتصادی در این مدل به معنای واقعی متولی امور اقتصادی هستند. چون همه اعضای فعال به معنای واقعی متولی امور اقتصادی هستند. هم بهره‌مند از همه حقوق اقتصادی خود و هم به تکالیف خود در عرصه اقتصادی عمل می‌کنند.

۳. نزاع بین سه گروه فعال اقتصادی صاحب سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کننده - برطرف می‌شود و اهداف هر سه گروه در این مدل، تامین می‌گردد. چون هر یک از اعضا، صاحب سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کننده کالای تولیدی هستند. بنابراین، نزاع مخربی که در بخش خصوصی سرمایه‌داری وجود دارد، در این مدل اتفاق نمی‌افتد. در بخش خصوصی سرمایه‌داری، صاحب سرمایه براساس اصل رقابت اقتصادی به دنبال سود مادی شخصی خود است. برای رسیدن به چنین هدفی از همه شرایط اقتصادی به نفع خود استفاده می‌کند. پیگیری این هدف اقتصادی در قالب اصل رفتاری رقابت این زمینه را برای او فراهم می‌کند تا برای رسیدن به هدف خود سایر فعالان اقتصادی را از منافع مادی محروم کند. همچنین تلاش می‌کند تا برای افزایش سود خود هزینه‌ها را کاهش دهد. یکی از راه‌های کاهش هزینه‌ها، کاستن از دستمزد نیروی کار است. بنابراین، از طرق گوناگون تلاش می‌کند تا دستمزد حداقلی به نیروی کار پرداخت نماید. از سوی دیگر نیروی کار نیز تلاش می‌کند تا با عرضه کار خود به هدف اقتصادی خود که دستمزد حداکثری است دست یابد. لازمه تامین این هدف، کاهش سود کارفرما و صاحب سرمایه است. بنابراین، یک نوع نزاع دائمی و پایدار بین نیروی کار و صاحب سرمایه در بخش خصوصی سرمایه‌داری وجود دارد. همچنین شبیه همین نزاع بین کارفرما و صاحب سرمایه از یک سو و تقاضا کننده و مصرف کننده نهایی تولیدات از سوی دیگر وجود دارد. کارفرما به دلیل بیان شده از همه شرایط بازار استفاده و سوء



استفاده کند تا کالاهای تولیدی خود را به حداکثر قیمت ممکن عرضه کند. از سوی دیگر تقاضا کننده نهایی با مقداری درآمد مشخص ماهانه می‌خواهد حداکثر نیازهای خود را با خرید تولیدات انجام دهد. وقتی مواجه با افزایش قیمت‌ها می‌شود، کارفرما و صاحب سرمایه را مقصر می‌بیند و نزاع بین آنان نیز به وجود می‌آید. بنابراین، بین سه گروه فعال اقتصادی در بخش خصوصی سرمایه‌داری بین سه گروه فعال اقتصادی بیان شده، نزاع دائمی و پایداری وجود دارد. روشن است که چنین نزاعی برای جامعه اسلامی زیان‌بار است. اما در مدل مردم‌سالاری تامّ نزاع بین سه گروه فعال اقتصادی مرتفع می‌شود و هر سه گروه در کنار هم برای تأمین منافع مادی و رفع نیازهای اقتصادی تلاش می‌کنند. بنابراین، وحدت و یکپارچگی مورد نظر اسلامی در عرصه اقتصادی محقق می‌شود و هر سه گروه فعال اقتصادی برادرانه در کنار هم تلاش می‌کنند. همچنین اهداف هر سه گروه فعال اقتصادی در این مدل تأمین می‌شود. چون صاحب سرمایه سود متناسبی دریافت می‌کند؛ نیروی کار به دستمزد مطلوبی می‌رسد و مصرف کننده با تهیه کالاهای مطلوب نیازهای مادی خود را برطرف می‌نماید.

۴. اصل رفتاری تعاون در درون مدل و رقابت با بیرون مدل، حاکم است. در نتیجه این مدل هم از مزایای اصل رفتاری رقابت بهره‌مند است و هم با پیگیری اصل رفتاری تعاون در درون مدل، از آفات رقابت به دور خواهد ماند.

تحلیل گران بازار رقابت نظام سرمایه‌داری، بلکه طرفداران آن به صراحت وقوع شرایط بازار رقابت کامل را در عالم خارج غیر ممکن می‌دانند (عبادی، ۱۳۷۲: ۴۵). برخی نیز آن شرایط را صرفاً یک سری شرایط ایده‌آلی معرفی می‌کنند و معتقدند که تقریباً هیچ بازاری رقابت کامل به وجود نخواهد آمد (واریان، ۱۳۷۸: ۲۴۸). افزون بر آن‌ها برخی از همین نویسندگان نقاط ضعف فراوانی برای بازار رقابت می‌شمارند (عبادی، ۱۳۷۲: ۱۳ - ۱۴). از جمله، اینکه در بازار آزاد رقابتی، جو تبلیغاتی تولید کنندگان و فروشندگان، مصرف کنندگان را وادار می‌نماید تا هرچه را تولید کننده مایل است، همان را تقاضا کنند. دیگر این‌که در بسیاری موارد تولید کنندگان انحصاری، کنترل بازار را در دست دارند و قیمت کالاها و خدمات را تعیین می‌کنند. (همان) در واقع این محققان منصف معتقدند که سیستم سرمایه‌سالاری اقتصادی نظام سرمایه‌داری، بازار آزاد رقابتی را ابزاری برای به انحصار درآوردن منافع مادی خود قرار داده‌اند. بنابراین، بازار رقابت کامل هرگز پدید



نیامده است و تحقق شرایط بازار رقابت کامل، در عالم واقع و در خارج از ذهن انسان، محال عرفی است و رفتار رقابتی، منشأ اصلی رفتار انحصارگرانه در عرصه اقتصادی است. رفتاری که روز به روز شکاف درآمدی را در سطح بین‌المللی گسترده‌تر کرده و صاحبان قدرت اقتصادی را بر مصادر سیاسی و مدیریتی جوامع مسلط نموده است. آنان با تکیه بر این الگوی رفتاری، کل دنیا را تبدیل به یک بنگاه اقتصادی کرده‌اند. سازمانی که قدرت سیاسی بین‌المللی را در اختیار داشته باشد به نام سازمان ملل و نیز شورای امنیت را در درون آن ایجاد کرده‌اند تا در مواقع لزوم قطع‌نامه سیاسی علیه گروه یا کشوری صادر کنند و با حق وتو، خواسته‌های حداقلی مشروع کشورها و حرکت‌های آزادی‌خواهانه آنان را سرکوب نمایند و در صورت نیاز با قدرت نظامی ناتو که بازوی نظامی این بنگاه انحصاری است، به کشورها یا هر حرکتی که خارج از افکار و اندیشه‌های آن‌ها راه اقتصادی دیگری را در پیش گیرد، حمله نظامی کرده و صدای آنان را خفه نمایند. سرمایه‌دارانی که این بنگاه انحصاری را ایجاد کرده و از آن شدیداً حمایت می‌کنند، سود خالص اقتصادی هنگفتی را در سطح بین‌المللی به جیب می‌زنند. اگر جهان را درست درک کنیم، واقعیت آثار این الگوی رقابتی آن چیزی است که بیان شده است. بنابراین، این الگو هرگز نمی‌تواند رفاه عمومی را تأمین کند و عدالت اقتصادی را محقق کند. ولی در مدل مردم‌سالاری تام اصل رفتاری تعاون حاکم است. در قالب این اصل رفتاری، با هم‌افزایی نیروی کار خلاق، تمام منافع اقتصادی رقابت حاصل می‌شود و از همه آثار مخرب رقابت دور خواهد بود.

۵. در این مدل، بین میزان مصرف و تولید، تعادل برقرار می‌شود. در نتیجه، احتمال وقوع رکود و تورم کاهش می‌یابد. میزان تقاضای کالا در مرحله اول مشخص می‌شود. اعضای بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام با خرید خود در مرحله اول مشخص می‌کنند که چه میزان تقاضا و برای چه نوع کالاهایی وجود دارد. بنابراین، هیات مدیره جهت تولید کالاها برای مرحله دوم و سوم برنامه‌ریزی می‌کند و بین میزان مصرف و تولید تقریباً تعادل برقرار می‌شود. ایجاد تعادل بین مصرف و تولید عامل مهم کنترل تورم و رکود است.

۶. بیکاری کاهش پیدا کرده و باعث ایجاد اشتغال متعادل می‌شود. چون تمام افراد جامعه با قبول مسئولیت، می‌توانند عضو این قبیل بنگاهها شوند و از مزایای آن بهره‌مند گردند. بنابراین، دائماً اعضای آن در حال افزایش هستند. افزایش اعضا به معنای افزایش تقاضا است. با افزایش تقاضا، برنامه‌ریزی برای افزایش تولید صورت می‌گیرد. با افزایش تولید،



اشتغال افزایش می‌یابد. چون میزان افزایش تقاضای کالا غالباً معلوم است، افزایش نیروی کار متناسب با این افزایش انجام می‌گیرد. بنابراین، افزایش نیروی کار جدید متناسب با تقاضا و تولید انجام می‌شود. البته، دقیق نمی‌توان میزان آن را مشخص کرد، اما این برآورد به گونه‌ای خواهد بود که ظرفیت خالی تولید هم از نظر نیروی کار و نیز به لحاظ سرمایه در این مدل وجود نداشته باشد.

۷. رشد تولید ملی پایدار را به دنبال خواهد داشت. در بندهای قبلی روشن شد که اشتغال نیروی کار و نیز تولید دائماً در حال افزایش است. بنابراین، تولید ملی دائماً در حال افزایش خواهد بود. همچنین، روشن شد که در این مدل، تعادل اقتصادی پایدار وجود دارد و تورم و رکود نسبت به تولید ملی قابل کنترل است. بنابراین، تولید ملی پایدار شکل می‌گیرد.

۸. مولفه‌های عدالت اقتصادی محقق می‌شود. تحقق عدالت اقتصادی با دو مؤلفه ممکن است که عبارتند از: بهره‌مندی افراد در حد کفاف و نیز استفاده از فرصت‌ها به نحو مساوی. چون هر یک از اعضا سه نوع درآمد دارند. دستمزد مناسب با تخصص و میزان کار، دریافت می‌کنند؛ سود سهام و سرمایه نصیبشان می‌گردد و از سود خالص اقتصادی به میزان نقشی که در تولید آن داشته، بهره‌مند می‌شوند. بنابراین، تمام اعضا با این سه نوع دریافتی در حد کفاف درآمد کسب خواهند کرد. همچنین، همه افراد جامعه با پذیرش مسئولیت خود می‌توانند در این مدل اقتصادی عضو شوند. پس از عضویت، با توجه به اصول اجرایی که در این مدل دنبال می‌شود، بستر بهره‌مندی مساوی از فرصت‌های اقتصادی برای همه اعضا فراهم می‌شود. با توجه به تحقق مؤلفه‌های عدالت اقتصادی، شکاف درآمدی کاهش پیدا می‌کند و زمینه‌های ایجاد فقر، کنترل می‌گردد. تحقق این مدل نیازمند فرایند مدیریتی دقیق و نیز اصولی تحت عنوان اصول اجرایی است. این اصول پس از بیان مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری متوسط ارایه و بررسی می‌شوند.

### نگاه مقام معظم رهبری (تعاونی‌های فراگیر ملی)

مقام معظم رهبری همیشه دغدغه گسترش عدالت اقتصادی و رفع فقر از جامعه و تقویت اقتصادی دهک‌های پایین جامعه را داشته‌اند. ایشان در سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴



قانون اساسی بر مدلی از اقتصاد تاکید دارند که به نظر می‌رسد، یکی از مصادیق کامل مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام باشد. معظم‌له تاکید دارند تا تعاونی‌های فراگیر ملی جهت تحت پوشش قرار دادن سه دهک اول جامعه به منظور فقرزدایی تاسیس شود. ایشان در بند ۱۱ سیاست‌های کلی بخش تعاون فرمودند:

تأسیس تعاونی‌های فراگیر ملی برای تحت پوشش قرار دادن سه دهک اول جامعه به منظور فقرزدایی (۱۳۸۴/۰۳/۰۲).

همچنین، در بند ۲-۲ در مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری بنگاه‌های اقتصادی بخش دولتی برای اختصاص این درآمدها برای تاسیس و حمایت این قبیل بنگاهها فرمودند: اختصاص ۳۰ درصد از درآمدهای حاصل از واگذاری به تعاونی‌های فراگیر ملی به منظور فقرزدایی (همان).

متأسفانه تاکنون کسی مقصود مقام معظم رهبری از تعاونی فراگیر ملی را تفسیر نکرده است. اما به نظر می‌رسد مقصود مقام معظم رهبری از تعاونی فراگیر ملی آن مدلی از فعالیت اقتصادی است که فعالیت آن به لحاظ جغرافیایی، در سطح ملی صورت گیرد و به لحاظ افراد، همهٔ آحاد مردم در سطح ملی بتوانند از این فعالیت اقتصادی بهره‌مند شوند. یعنی همهٔ مردم در سطح ملی به معنای واقعی دارای مالکیت باشند. به عبارت دیگر مالکیت آن خصوصی مشاعی فراگیر تام باشد. با توجه به آنچه بیان شد، به نظر می‌رسد بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام با ویژگی‌ها و آثار بیان شده همان تعاونی فراگیر ملی یا یکی از مصادیق کامل آن باشد. بنابراین، با طراحی و اجرای این قبیل بنگاه‌های اقتصادی یکی از رهنمودهای مقام معظم رهبری محقق خواهد شد.

### تامین منابع مالی در شرایط فعلی

بهترین منبع تامین مالی این مدل درآمدهای حاصل از هدفمندی یارانه‌ها است. با توجه به ساختار مدل، تمام منابع حاصل از هدفمندی یارانه‌ها می‌تواند در فرایند تولید ملی قرار گیرد و نیز همهٔ مردم می‌توانند از منافع آن بهره‌مند شوند. قریب ۴۰ هزار میلیارد تومان در سال درآمد حاصل از هدفمندی یارانه‌ها به مردم داده می‌شود. این درآمد و نیز درآمدهای حاصل از هدفمندی مرحلهٔ دوم به این امر اختصاص پیدا کند. بدین وسیله، تمام درآمدهای حاصل از هدفمندی یارانه‌ها به نفع همهٔ مردم وارد چرخهٔ تولید



می‌شوند و مردم‌سالاری اقتصادی دینی به معنای واقعی شکل می‌گیرد؛ اشتغال و تولید ملی پایدار افزایش می‌یابد؛ عدالت اقتصادی محقق می‌شود و زمینه‌های فقر از بین می‌رود. در مدیریت منابع حاصل از هدفمندی یارانه‌ها، اتحادیه‌های طولی مردم‌سالاری محلی، منطقه‌ای و ملی نقش اساسی دارند که جزئیات آن در جای خود باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

### مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری متوسط

در ادامه وجه تسمیه این بنگاهها روشن می‌شود. در این قبیل بنگاه‌های اقتصادی، همه اعضا و نیروی کار به نحو مشاع مالک بنگاه اقتصادی و صاحب سرمایه هستند و در مدیریت فرایند اقتصادی نقش مؤثری دارند. سازگاری کامل بین اهداف کارفرما و نیروی کار به وجود می‌آید. چون نیروی کار همان کارفرما و صاحب سرمایه است. نزاع موجود در بخش خصوصی سرمایه‌محور بین نیروی کار و کارفرما در این مدل وجود ندارد، در حالی که در مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری متوسط هر نیروی کاری، خودش کارفرما نیز هست. بنابراین، این نزاع بین نیروی کار و کارفرما از بین می‌رود و همه در کنار هم تلاش حداکثری برای تولید بیشتر انجام می‌دهند. اما نزاع بین تولید کنندگان و مصرف کنندگان در این مدل از بین نمی‌رود. چون تولید کنندگان به هدف حداکثرسازی سود مادی در کنار هم قرار می‌گیرند و مصرف کنندگان در طرف دیگر. بنابراین، تلاش می‌کنند از همه شرایط بازار استفاده کنند تا کالاهای تولیدی خود را به حداکثر قیمت بفروشند. تقاضا کنندگان نیز با درآمد خود برای خرید کالاها اقدام می‌کنند و انتظار دارند حداکثر نیازهای خود را با درآمدشان انجام دهند. وقتی مشاهده می‌کنند قیمت کالاها افزایش پیدا می‌کند، تولید کنندگان را مورد عتاب و خطاب قرار می‌دهند و نزاع بین این دو گروه شکل می‌گیرد که متأسفانه این نزاع مشکلات فراوانی را در جامعه اسلامی ایجاد می‌کند. با توجه به آنچه گذشت، روشن شد که در مدل اول، نزاع بین سه گروه از فعالان اقتصادی از بین می‌رود و آن را بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام نامیدیم و در مدل دوم، نزاع تنها بین دو گروه از فعالان اقتصادی از بین می‌رود و به اسم بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری متوسط نامیده شد.

برای تاسیس این قبیل بنگاه‌های اقتصادی هر یک از اعضای باید حداقل سرمایه را به





عنوان حق عضویت پرداخت کنند. تامین سرمایه اولیه حتی با دریافت وام، از تکالیف مسلم هر فردی است که خواهان عضویت در این قبیل بنگاه‌های اقتصادی می‌باشد.

### ویژگی‌ها و پیامدها

این مدل دارای ویژگی‌ها و پیامدهای ذیل است:

۱. مالکیت در این مدل از نوع مالکیت خصوصی مشاعی فراگیر متوسط است. یعنی تنها دو گروه از فعالان اقتصادی (نیروی کار و کارفرما) دارای مالکیت خصوصی مشاعی فراگیر هستند.

۲. مردم‌سالاری اقتصادی دینی در عرصه تولید محقق می‌شود. چون با توجه به اصل مدیریت همگانی، همه فعالان اقتصادی در این مدل به معنای واقعی متولی امور اقتصادی هستند.

۳. وحدت و یکپارچگی مورد نظر اسلامی در عرصه تولید محقق می‌شود و هر دو گروه فعال اقتصادی (صاحب سرمایه و نیروی کار) برادرانه در کنار هم تلاش می‌کنند. اهداف هر دو گروه فعال اقتصادی در این مدل تامین می‌شود. چون هر عضو نیروی کار، صاحب سرمایه نیز هست. پس افزون بر دریافت دستمزد مطلوب، سود متناسبی دریافت می‌کند. علاوه بر آن‌ها از سود خالص اقتصادی به میزانی که در تولید آن نقش دارد، بهره‌مند می‌شود.

۴. اصل رفتاری تعاون در درون مدل و رقابت با بیرون مدل، جاری است. در نتیجه این مدل، هم از مزایای اصل رفتاری رقابت بهره‌مند است و هم با اصل رفتاری تعاون در درون مدل، از آفات رقابت به دور خواهد بود.

۵. مولفه‌های عدالت اقتصادی در این مدل، محقق می‌شود. چون هر یک از اعضا سه نوع درآمد دارند. دستمزد مناسب با تخصص و میزان کار دریافت می‌کند؛ سود سهام متناسب نصیب می‌گردد و از سود خالص اقتصادی به میزانی که در تولید آن نقش دارد، بهره‌مند می‌گردد. بنابراین، تمام اعضا با این سه نوع دریافتی در حد کفاف درآمد کسب خواهند کرد. همچنین، با توجه به اصول اجرایی که بیان خواهد شد، معلوم می‌شود که بستر بهره‌مندی مساوی از فرصت‌های اقتصادی برای همه اعضا فراهم می‌گردد. با توجه به تحقق مؤلفه‌های عدالت اقتصادی، شکاف درآمدی کاهش پیدا می‌کند، توزیع مناسب



و عادلانه ثروت و درآمد در سطح جامعه اتفاق می‌افتد و زمینه‌های فقر از بین می‌رود. البته، با توجه به این که مصرف کنندگان در طرف دیگر این مدل قرار دارند، تاثیر مدل اقتصادی مردم‌سالاری تام در تحقق مؤلفه‌های پایدار عدالت اقتصادی بیشتر از مدل اقتصادی مردم‌سالاری متوسط است.

۷. از آنجایی که همه کارگران، مالکان بنگاه اقتصادی هستند، در دوران رونق اقتصادی از مزایای دروان رونق بهره‌مند می‌شوند. در دوران رکود، با کار بیشتر و کاستن از میزان بهره‌مندی، پایداری این قبیل بنگاه‌های تولیدی را در شرایط بحران اقتصادی تقویت می‌کنند و خسارت بحران را به حداقل برسانند.

همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، تحقق مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام و نیز بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری متوسط نیازمند فرایند مدیریتی دقیق و نیز اصولی تحت عنوان اصول اجرایی است. در ادامه این اصول به اختصار اشاره می‌شود و برای آشنایی بیشتر با ابعاد این اصول و نیز بررسی آن‌ها بر اساس تعالیم اسلامی به منابع مورد اشاره مراجعه شود (یوسفی، ۱۳۹۲).

### اصل عضویت آزاد مسئولانه

براساس مبانی بیان شده درباره جایگاه انسان در فرایند اقتصادی، همه انسان‌ها حق دارند تا در فعالیت‌های اقتصادی آزادانه تلاش کنند. بنابراین، اگر مقتضی و ظرفیت همکاری برای افراد وجود داشته باشد، آنان در صورت تمایل، مختارند در این نوع فعالیت، همکاری و عضویت یابند. این همکاری و عضویت، در صورتی که با نافرمانی خدا و گناه همراه نباشد، مصداق برّ و تقوی است که خدای متعال به آن فرمان داده است:

تعاونوا علی البرّ و التقوی ( مائده (۵): ۲).

در امور خیر و تقوی، تعاون و همکاری کنید.

همچنین، اگر افرادی برای رفع نیازهای زندگی خود، نیازمند به عضویت و همکاری در مدل اقتصادی مردم‌سالاری باشند، براساس حقوق برادری در اسلام، حق عضویت و همکاری پیدا می‌کنند. انسان‌ها در پذیرش یا عدم پذیرش عضویت، مختار و آزاد هستند. چراکه آزادی، حق همه افراد است. البته، اعضای بنگاهها ملزم به پذیرش عضویت وی نیستند. هر چند، اگر فرد متقاضی واجد صلاحیت همکاری بوده و مقتضی و ظرفیت



پذیرش نیز وجود داشته باشد، اعضای بنگاه در صورت عدم پذیرش وی، کاری خلاف اخلاق و حقوق برادری انجام داده‌اند. از سوی دیگر، نباید فردی را مجبور به پذیرش عضویت نمود یا شرایطی را پیش آورد تا افرادی مجبور به عضویت و همکاری در این قبیل بنگاه‌های اقتصادی شوند؛ چراکه این نوع رفتار مانع بهره‌مندی انسان‌ها از حق آزادی و اختیارشان می‌شود.

بنابراین، آزادی عضویت، حق انسان است. اما در برابر بهره‌مندی از این حق، مواجهه با تکالیفی است. امام علی درباره تلازم حق و تکلیف می‌فرماید: حقی برای کسی نیست، مگر آن که بر عهده‌اش هم حقی هست و به عهده کسی حقی نیست، مگر آن که برای او و به نفع او هم حقی هست و اگر کسی برایش حقی است، ولی بر عهده‌اش حقی نیست، تنها خدای سبحان است نه دیگری از آفریدگانش (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶: ۲۴۸).

بنابراین، اگر فردی از این حق خود بهره‌مند شود و به عضویت درآید، مواجهه با تکالیف و مسئولیت‌هایی است. این مسئولیت‌ها اعم از مسئولیت‌های حقوقی و اخلاقی است (یوسفی، ۱۳۸۶: ۳۳۹-۴۶۹) که اعضای بنگاه اقتصادی هنگام عضویت متعهد به انجام آن‌ها می‌شوند.

### اصل مدیریت همگانی

در بنگاه‌های مردم‌سالاری، حاکمیت انسان‌ها معیار و ملاک اصلی در فعالیت‌های اقتصادی است. در نتیجه، تمام اعضا با صرف نظر از میزان سهمشان، از حق رای مساوی در فرآیند مدیریت اقتصادی برخوردارند (طالب، ۱۳۷۶، ۱۵۷؛ بوگاردوس، ۱۳۵۲، ۳۱ - ۳۳؛ بکن، ۱۳۵۶: ۵۱ - ۵۳). آنان برای استفاده از این حق کاملاً آزاد هستند. اعضا از این طریق، اعمال مدیریت و نظارت همگانی می‌کنند.

راسل عقیده دارد که جهان علی‌رغم تحصیل حکومت مردم بر مردم در عرصه سیاسی، هنوز جهان به چنین حکومتی در عرصه صنعتی و اقتصادی دست نیافته است. به نظر وی سیستم سرمایه‌داری که در اصل مبتنی بر تاسیس منافع گروه‌های خاص اجتماع است، بدون تردید موجب بروز اختلافات متعدد میان طبقات کارگر و کارفرما می‌شود. چرا که سرمایه‌دار نمی‌تواند حداکثر کارایی را در ازاء حداقل مزد، تضمین نماید. در حالی که کارگر علاقه دارد حد الامکان حداکثر مزد را در ازاء کار خود دریافت کند. بنابراین، نمی‌توان از



نظام سرمایه‌داری، اجتماعی هماهنگ و عاری از کینه‌جویی و ناراضیتی را انتظار داشت. چون جدایی روزافزون گروه‌های کارگر و سرمایه‌دار و اختلاف منافع آنان عواقب نامطلوب دربردارد. وی معتقد است تنها چنین بنگاه‌هایی مبتنی بر اصول دموکراتیک می‌توانند بسیاری از عواقب نامطلوب فوق را کاهش دهند (مدنی، ۱۳۷۲: ۱۳۶).

### اصل سود محدود برای سرمایه (سود متناسب برای سرمایه)

در دو مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تامّ و متوسط، سودی که به سرمایه‌ای اعضا تعلق می‌گیرد با توافق اعضا به مقدار مشخص و متناسب با نقش واقعی سرمایه تعیین می‌شود. ادله ذیل برای تعلق سود محدود و متناسب به سرمایه ارایه می‌شود:

۱. اگر مازاد هزینه‌ها، سهم سرمایه و مالک آن باشد، سرمایه در مقابل نیروی‌های فعال، ترفیع شأن می‌یابد و این وضعیت خلاف فلسفه تاسیس بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری است. چون سرمایه‌داران با قدرت سرمایه، سرنوشت تولید و تولیدکنندگان را تحت اختیار می‌گیرند. با قدرت پول تقاضای کاذب و کمبود مصنوعی ایجاد می‌کنند و سرنوشت انسان را رقم می‌زنند و تولیدات فراوان که باید در خدمت انسان و برای رفاه او باشد، وسیله‌ای جهت ایجاد مشکلات بیشتر برای انسان می‌شود. سرمایه‌داران بزرگ با احتکار مواد اولیه، جلوگیری از تولید و فروش کالاهای مشابهی که به وسیله بنگاه‌های کوچک‌تر عرضه می‌شوند و ارزان‌فروشی به میزان معین و در زمان محدود و سرانجام ورشکست کردن تولیدکنندگان کوچک برای از میان بردن سایر بنگاه‌های تولیدی، انسان‌ها را به خدمت سرمایه درمی‌آورند (لاسر، ۱۳۵۰: ۷۷ و ۷۸).

با توجه به آنچه گذشت، اصل محدودیت سود سرمایه، حرکت به سمت ارزش دادن به نیروی کار و انسان است تا به سوی حاکمیت انسان در برابر پول و سرمایه گام برداشته شود. ۲. با محدودیت سود سرمایه، الگوی دموکراسی اقتصادی محقق می‌شود. ولی با حاکمیت پول و سرمایه، دموکراسی در عرصه اقتصادی معنا نخواهد داشت. انسان‌ها در عرصه سیاسی با مشارکت در رای و بهره‌مندی از قدرت و توزیع آن از دموکراسی سیاسی برخوردار می‌شوند. همین‌طور باید با ترفیع جایگاه نیروی کار در برابر سرمایه و تبدیل سرمایه به خدمت‌گزار واقعی برای همه انسان‌ها، به دموکراسی واقعی دست یافت. به قول شارل ژید، یکی از اصول تحقق چنین دموکراسی اقتصادی، سود محدود به سرمایه است (مدنی،



۱۳۷۲: ۱۴۷). در واقع با محدودیت سود به سرمایه و توزیع مازاد بر آن، بین نیروی‌های فعال اقتصادی، به جای سرمایه‌سالاری در روابط اقتصادی، مردم‌سالاری اقتصادی، تقویت می‌شود و حاکمیت همهٔ نیروی‌های فعال در روابط اقتصادی محقق می‌گردد.

### اصل مازاد برگشتی

در بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام و متوسط بر اثر فعالیت‌های اقتصادی اعضا، درآمدی حاصل می‌شود. وقتی هزینه‌ها کسر گردند، ذخایر لازم انجام گیرد و سود متناسبی به سرمایه تعلق گیرد، ممکن است سود ویژه‌ای باقی بماند. این سود بین اعضا به میزانی که در تولید آن نقش دارند، توزیع می‌گردد. بنابراین، به آن، مازاد برگشتی اطلاق می‌شود. در سه مدل دیگر از بنگاه‌های اقتصادی که در ادامه بررسی می‌شوند، این نوع سود، به سرمایه و صاحبان آن تعلق می‌گیرد. پیشتر بیان شد که تعلق سود خالص به سرمایه و صاحبان آن پایه‌های جریان سرمایه‌سالاری را تقویت می‌کند.

### اصل آموزش و اطلاع‌رسانی دائمی به اعضا

برای فعالیت‌های دسته‌جمعی که به دنبال اهداف مشخصی هستند و هر یک از افراد آن، وظایفی را به سمت اهداف بر عهده دارند، بدون آموزش و اطلاع‌رسانی کافی، وصول به اهداف، امکان‌پذیر نیست. یکی از وظایف بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام و متوسط، ایجاد تغییرات مناسب در رفتارهای اعضا به منظور رفع نیازهای زندگی از طریق همکاری و تفاهم دسته‌جمعی است. این تغییرات تنها از طریق آموزش امکان‌پذیر می‌باشد. تجربه نشان داده است که یکی از مهمترین عامل موفقیت این بنگاهها توجه کافی به مسألهٔ آموزش بوده است. اطلاع اعضا از اهداف، اصول، حقوق و تکالیف خود عامل مهمی در موفقیت این بنگاهها هستند (بوگاردوس، ۱۳۵۲: ۱۰۸ و ۱۰۹). آموزش اعضا باعث می‌شود تا آنان به اصول و ارزش‌ها و ابعاد مختلف فعالیت اقتصادی اطلاع و آگاهی پیدا کنند، انواع حقوق و وظایف خود را بشناسند، تخصص خود را متناسب با پیشرفت‌های علمی افزایش دهند و روش‌های مدیریتی به خدمت گرفتن سرمایه را در شرایط مختلف اقتصادی فرا گیرند. این نوع آموزش باعث می‌شود تا اقتصاد دانش‌بنیان شکل گیرد.



## تامین منابع مالی در شرایط فعلی

با توجه به ویژگی‌ها و پیامدهای مثبت اقتصادی بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری متوسط، شایسته است منابع حاصل از هدفمندی یارانه‌ها برای کمک به این قبیل بنگاه‌های تولیدی اختصاص پیدا کند. البته، مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام با توجه به آثار مثبت آن‌ها نسبت به این مدل در اولویت است.

## تجربه تاریخی شبیه مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری متوسط

نمونه ضعیف آنچه بیان شد هم اکنون براساس دین مسیحیت کاتولیکی در باسک اسپانیا وجود دارد و به‌رغم بحران اقتصادی جهانی، توسعه و پیشرفت بی‌نظیری داشته است. البته، اگر براساس تعالیم اسلامی این مدل‌ها طراحی و اجرا شوند، موفقیت‌ها گسترده‌تر خواهد بود. در ادامه گزارش مختصری از آن ارائه می‌شود:

## بنگاه‌های کارگر - مالکان موندراگون

به برخی از ابعاد آن اشاره مختصری می‌شود و برای اطلاع بیشتر باید به منابع مورد اشاره مراجعه شود.

بنگاه‌های اقتصادی کارگر - مالکان موندراگون در منطقه باسک اسپانیا قرار دارد. این اتحادیه توانسته است ارزش‌های دینی - مسیحی خود را در عین حضور نیرومند در بازار جهانی، حفظ کند و تمامی ساختار سازمانی خود را بر اندیشه اجتماعی کاتولیکی بنا نهد. آریزمندی، کشیش بنیان‌گذار آن، در کلاس‌هایش ایده‌های عدالت اجتماعی و دموکراسی را نیز با محتوای فنی درس‌هایش در هم می‌آمیخت و توسط پنج نفر مهندس از فارغ‌التحصیلان کلاس‌هایش در سال ۱۹۵۶ آن را تاسیس کرد. آنان فقط به دنبال موفقیت در عرصه کسب‌وکار نبودند، بلکه موفقیت اجتماعی را نیز طلب می‌کردند.<sup>۱</sup> بنگاه‌های کارگر - مالکان ده اصل را که هسته مرکزی چشم‌انداز و مأموریت خود می‌داند، به این صورت فهرست کرده است: ورود آزاد (عدم تبعیض)، سازمان دموکراتیک، حق حاکمیت نیروی کار، ماهیت فرعی سرمایه، مدیریت مشارکتی، انسجام در پرداخت

1. Corcoran, Hazel and David Wilson, The Worker Co-operative Movements in Italy, Mondragon and France: Context, Success Factors and Lessons; Retrieved from: [http://www.canadianworker.coop/sites/canadianworker.coop/files/CWCF\\_Research\\_Paper\\_International\\_16-6-2010\\_fnI\[1\].pdf](http://www.canadianworker.coop/sites/canadianworker.coop/files/CWCF_Research_Paper_International_16-6-2010_fnI[1].pdf)



حقوق، همکاری میان‌سازمانی، تحول اجتماعی، جامعیت و آموزش. موندراگون، تحت تملک کارگران و مدیریت آنها است و با توزیع فرآیند تصمیم‌گیری در سراسر سطوح سازمانی، خود را به نمونه بی‌نظیری از توسعه و پیشرفت در دوره ۵۰ ساله تبدیل کرده و بزرگ‌ترین گروه کسب‌وکار در منطقه باسک و هفتمین شرکت بزرگ در اسپانیا، هم از نظر فروش و هم از نظر تعداد کارگران است. در سال ۲۰۰۳، موندراگون یکی از ۱۰ مکان برتر برای کار در اروپا معرفی شد. به طور کلی، موندراگون تقریباً از هر جهت، عملکردی بهتر از بنگاه‌های خصوصی اسپانیا داشته است (همان).

مقاله‌ای که در سال ۲۰۰۹ در مجله YES منتشر شده بود، زندگی در موندراگون را چنین توصیف می‌کند: «در شهر موندراگون نه خانه‌های اعیانی روی تپه‌ها دیده می‌شود و نه فقر در خیابان‌ها. ثروت ندیدیم، اما همه افراد جایی راحت برای زندگی، غذایی سالم برای خوردن و آسایش زندگی‌های جدید را داشتند. چیزی که همین قدر توجه ما را به خود جلب می‌کرد، حس صمیمانه و شادی‌بخش یگانگی‌شان بود. آدم‌هایی که ما دیدیم، خوش‌مشرب، خوش‌صحبت و اهل اعتماد بودند. موندراگون نشان می‌دهد که تعهد به خیر عمومی، مانعی در مقابل موفقیت تجاری نیست. برعکس، تعهد به نوآوری و آموزش در همه سطوح می‌تواند بهترین‌ها را برای جامعه به همراه آورد. این کیفیت زندگی در بیرون از محل کار هم ادامه دارد و مزیت‌ها را برای آن‌هایی که راه تعاون را برگزیده‌اند، دوچندان می‌کند.»<sup>۱</sup>

موندراگون در آغاز در سال ۱۹۵۶ بیست و پنج کارگر داشت. امروزه ۲۵۶ بنگاه زیر چتر این شرکت مختلط قرار دارند. در سال ۲۰۰۹ موندراگون نزدیک به ۹۳ هزار کارگر و فروشی معادل ۳۳ میلیارد یورو داشت. این مقادیر، ۲۵ درصد کل فروش و ۱۵ درصد کل کارگران در بنگاه‌های کارگر - مالکان اسپانیا است (همان).

موندراگون چهار بخش اصلی در حوزه کسب‌وکار دارد: امور مالی، صنعت، خرده‌فروشی و دانش. بانک موندراگون، موسوم به کاخا لابورال سال ۲۰۰۲ میلادی، ۳۲۲ شعبه داشت، ۸/۵ میلیارد یورو دارایی کسب کرده و سود عملیاتی‌اش ۱۲۵ میلیون یورو بود. در سال ۲۰۰۹، این بانک به عنوان بانکی که بهترین خدمات را در بین موسسات مالی اسپانیا برای

1. Kelly, G. & Massena, S. (2009, June). Mondragon Co-operatives Decide How to Ride out a Downturn, Yes! Magazine. Retrieved from [www.yesmagazine.org/issues/the-new-economy/mondragon-worker-cooperatives-decide-how-to-ride-out-a-downturn](http://www.yesmagazine.org/issues/the-new-economy/mondragon-worker-cooperatives-decide-how-to-ride-out-a-downturn)



مشتریان فراهم می‌کند، برگزیده شد (همان).

بخش دانش موندراگون شامل مراکز فناوری این اتحادیه است که در سال ۲۰۰۸ مخارجی معادل ۵۱ میلیون یورو داشت و ۷۴۸ کارگر در آن کار می‌کردند. در همین سال دانشگاه موندراگون ۳۷۰۷ دانشجو داشت. به علاوه، موندراگون چندین مرکز تحصیلاتی و آموزشی برای کارگران خود دارد (همان).

### موفقیت موندراگون در بحران ۲۰۰۸ به بعد

در طول بحران مالی سال ۲۰۰۸، با وجود رکود اقتصادی، موندراگون به خاطر حضور برجسته خود در چندین بازار، سودآور بود و توانست شوک حاصل از رکود را تحمل کند. درآمد این اتحادیه در این سال نسبت به سال قبل از آن ۶ درصد رشد داشت. در این دوره، تمرکز موندراگون بر منافع کارگران در برنامه‌های جابجایی اعضا در درون اتحادیه به نمایش درآمد و به بیکاری بسیار کمتری در مقایسه با دیگر بنگاه‌ها انجامید. تصمیم‌گیری درباره امکان اخراج کارگران از طریق جلساتی بین مدیران و کارگر-مالکان انجام می‌شد. بر اساس تصمیمی که از طریق این شیوه مشارکتی اتخاذ شد، مقرر گردید که ۲۰ درصد کارگران که به طور تصادفی انتخاب می‌شوند، اتحادیه را برای یک سال ترک کنند و در این مدت کماکان ۸۰ درصد دستمزد خود را دریافت کنند و در صورت تمایل، آموزش مجدد ببینند. قرار این بود که بعد از یک سال، اگر شرکت همچنان از سقوط مالی آسیب ببیند، این کارگران به مشاغل خود بازگردند و یک گروه دیگر به طور تصادفی انتخاب شوند.<sup>۱</sup>

در سال ۲۰۰۹ بانک کارگران موندراگون سودی معادل ۵۶/۵ میلیون یورو داشت و به همین خاطر با وجود سرمایه‌گذاری در لمان‌برادری تأثیر زیادی از سقوط مالی نگرفت.<sup>۲</sup> ایناکی لگاردا، مدیر تجاری موندراگون اسمبلی در بحران ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ می‌گوید: «امروز ما خوشبختانه برای همه کار داریم. در واقع داریم افرادی را از دیگر شرکت‌های عضو گروه [موندراگون] استخدام می‌کنیم.»<sup>۳</sup>

1. <http://participedia.net/en/cases/mondrag-n-co-operative-corporation>

مجله دبستیپوست ریویو در گزارشی با عنوان «موندراگون و سقوط اقتصاد جهانی» می‌آورد که شرکت تعاونی موندراگون (MCC) در اواسط سال ۲۰۰۸ هفتمین گروه بزرگ تجاری اسپانیا بود. (<http://distributisreview.com/mag/2010/06/mondragon-and-the-global-economic-meltdown/>)

2. <http://participedia.net/en/cases/mondrag-n-co-operative-corporation>

3. <http://euskalkazeta.com/ek/?p=13473>





در سال ۲۰۱۲، بخش صنعت موندراگون، سال را با فروشی بین‌المللی به میزان ۴ میلیارد دلار به پایان رساند که در تاریخ شرکت بی‌سابقه بود و ارقام فروش قبل از بحران را پشت سر گذاشت.<sup>۱</sup> در ماه آگوست این سال، در مقایسه با نرخ بیکاری ۲۵ درصدی اسپانیا، نرخ بیکاری در باسک، به مقدار قابل ملاحظه‌ای کمتر و معادل ۱۵ درصد بود. این نرخ در استانی که موندراگون در آن واقع شده، باز هم کمتر بود. همچنین در سال ۲۰۱۳ «موندراگون به اقتصاد باسک کمک کرد تا از رکود در امان باشد.» شواهد نشان می‌دهد که باسک در مقایسه با دیگر مناطق اسپانیا شاهد رکود ملایم‌تری بود و این تا اندازه‌ای به وجود موندراگون بازمی‌گشت.<sup>۲</sup>

### مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری ضعیف

در این مدل، مالکیت اصلی بنگاه‌های اقتصادی برای یک یا چند نفر است. به همین جهت، مدیریت فرایند اقتصادی تماماً با مالکان اصلی است. اما تمام نیروهای کار، مالکیت حداقلی از بنگاه اقتصادی دارند. این مالکیت حداقلی هیچ‌گونه حقی جهت تصمیم‌گیری در امور اقتصادی برای نیروهای کار ایجاد نمی‌کند. هدف مالکان اصلی در این مدل، حداکثر نمودن سود مادی خودشان است. بنابراین، تلاش می‌کنند تا دستمزد حداقلی به نیروی کار پرداخت کنند. از سوی دیگر، نیروهای کار به دنبال دستمزد حداکثری هستند. بنابراین، اصل نزاع بین این دو گروه فعال اقتصادی وجود دارد. اما از آنجایی که کارگران احساس می‌کنند که بنگاه اقتصادی متعلق به آنان نیز هست، میزان نزاع بین نیروی کار و کارفرما به شدت کاهش پیدا کرده و کارگران با علاقه بیشتری کار می‌کنند و بنگاه اقتصادی از آسیب‌های شدید نزاع بین نیروی کار و کارفرما در امان خواهد ماند و فرایند مدیریتی، سهل‌تر صورت می‌گیرد. در این مدل، نیروی کار افزون بر دستمزد، از سود سهام حداقلی نیز بهره‌مند است.

### ویژگی‌ها و پیامدها

۱. مالکیت در بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری ضعیف از نوع مالکیت خصوصی مشاعی فراگیر ضعیف است. یعنی هر دو گروه فعال اقتصادی (کارگر و کارفرما) مالک بنگاه اقتصادی



- هستند، اما تنها مالکان اصلی حق مدیریت و تصمیم‌گیری درباره فرایند اقتصادی را دارند.
۲. نزاع بین کارفرما و نیروی کار کاهش یافته و آسیب‌های آن به حداقل می‌رسد.
۳. اصل رفتاری حاکم، رقابت اقتصادی است.
۴. با توسعه مالکیت‌ها، نیروی کار افزون بر دستمزد، از سود سهام ناشی از مالکیت حداقلی بهره‌مند است. در نتیجه، کمک به توزیع ثروت و دارایی مناسب در جامعه می‌شود. اما دامنه این توزیع ثروت و درآمد نسبت به دو مدل قبلی ضعیف‌تر است.
۵. افزایش و پایداری تولید در این مدل اتفاق می‌افتد. چون نیروهای کار با مالکیت حداقلی‌ای که دارند، احساس تعلق بین آنان و بنگاه اقتصادی به وجود می‌آید و این امر باعث می‌شود تا کارگران تلاش بیشتری داشته باشند و همچنین، در حفظ و نگهداری بنگاه اقتصادی کوشا باشند و حدالمقدور عوامل آسیب‌زا را به حداقل برسانند. با گسترش این قبیل بنگاه‌های اقتصادی، کمک به افزایش و پایداری تولید در سطح ملی خواهد شد. البته، پایداری تولید ملی در این مدل نسبت به دو مدل قبلی ضعیف‌تر است. ولی از جهت مدیریت و اجرایی، این مدل نسبت به دو مدل قبلی آسان‌تر است. چون تنها یک یا چند نفر مالک اصلی در مدیریت فرایند اقتصادی تصمیم می‌گیرند.
۴. مدل بنگاه‌های اقتصادی سهامی فراگیر (بورس و بنگاه‌های اقتصادی سهامی)
۱. مالکیت در این قبیل بنگاه‌های اقتصادی، از نوع مالکیت خصوصی مشاعی غیر فراگیر است. یعنی مالکیت اصلی منابع و محصول تولیدی برای چند سهامدار است. آنان برای تامین منابع لازم جهت سرمایه‌گذاری بیشتر، بخشی از سهام خود را از طریق بازار بورس به دیگران واگذار می‌کنند. گارگران در این قبیل واحدهای تولیدی ممکن است هیچ‌گونه سهمی از مالکیت نداشته باشند. همچنین، هیچ نقشی در مدیریت فرایند اقتصادی ندارند.
۲. هدف از تاسیس این قبیل بنگاه‌های اقتصادی، تنها حداکثر کردن سود مادی صاحبان سرمایه و مالکان آنها است.
۳. اصل رفتاری حاکم، رقابت اقتصادی است.
۴. نزاع بین صاحبان سهام اصلی و بین نیروی کار و مصرف‌کننده حاکم است.
۵. این مدل نسبت به مدل‌های قبلی در سطح ملی باعث تمرکز ثروت و درآمد می‌شود. البته، نسبت به بنگاه‌های اقتصادی با مالکیت فردی، توزیع ثروت و درآمد در این مدل، مناسبتر است.



## مدل بنگاه‌های اقتصادی با مالکیت خصوصی فردی

۱. مالکیت منابع و محصول تولیدی تنها برای یک فرد است. برخی افراد اصلاً روحیه مشارکت و همکاری با دیگران را ندارند. این قبیل افراد فعالیت‌های اقتصادی خود را به قصد حداکثر کردن سود مادی شخصی به‌نحو انفرادی دنبال می‌کنند.
۲. اصل رفتاری حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی، اصل رقابت است.
۳. نزاع بین کارفرما و بین نیروی کار و مصرف کننده حاکم است.
۴. این مدل موجب تمرکز ثروت و درآمد می‌شود و توزیع ثروت و درآمد در این مدل، نسبت به مدل‌های قبلی نامناسب‌تر است.

## جمع‌بندی و پیشنهادات

۱. مبانی و اصول متخذ از آن مبانی در نظام اقتصادی سرمایه‌داری به الگوی سرمایه‌سالاری منتهی می‌شود. این الگو ظرفیت لازم برای رفع مشکلات و فقر را ندارد. همچنین، مبانی و اصول متخذ از آن مبانی در نظام اقتصادی سوسیالیسم به الگوی دولت‌سالاری اقتصادی منتهی می‌شود که ظرفیت آن در رفع مشکلات اقتصادی و فقر بمراتب کمتر از الگوی سرمایه‌سالاری است. اما مبانی نظام اقتصادی اسلام منتهی به الگوی مردم‌سالاری اقتصادی دینی می‌شود. در قالب این الگو، مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی دینی قابل طراحی و اجرا است. با اجرای این مدل‌ها همه فعالیت‌های اقتصادی با اهداف متفاوت در جهت تحقق اهداف خود می‌توانند فعالیت کنند، کرامت آنان حفظ شود و عدالت اقتصادی به‌نحو پایدار محقق گردد و رفاه عمومی تامین شود.
۲. با توجه به مدل‌های اقتصادی بیان شده، معلوم می‌شود که مجموع مدل‌های اقتصادی اگر در عرصه اقتصادی دنبال شوند، بستر فعالیت اقتصادی برای تمام فعالان اقتصادی با هر انگیزه اقتصادی فراهم می‌گردد. بنابراین، وضعیت اقتصادی ایران باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شود تا زمینه تاسیس و اجرای همه مدل‌های اقتصادی فراهم گردد تا مردم‌سالاری اقتصادی دینی واقعی در اقتصاد ایران شکل بگیرد.
۳. شرایط فعلی اقتصاد ایران با توجه به وجود زمینه‌های هدفمندی یارانه‌ها به گونه‌ای است که تمام یارانه‌ها را می‌توان در چند مرحله زمانی کوتاه، حذف و همه آن‌ها را به نفع تمام مردم و در چارچوب مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام و متوسط



و حتی ضعیف، وارد چرخه تولید کرد تا هم جریان مردم‌سالاری اقتصادی دینی در سطح ملی شکل بگیرد و هم برای تمام جوانان بیکار، اشتغال ایجاد نمود. بدین وسیله، حلقه مردم‌سالاری اقتصادی دینی در کنار مردم‌سالاری فرهنگی، سیاسی و دفاعی دینی تکمیل شود تا کار دشمنان انقلاب اسلامی از آسیب رساندن به انقلاب اسلامی با شکست جدی مواجه گردد.

۴. با توجه به آثار و ویژگی‌های بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری در رفع مشکلات اقتصادی ایران، حاکمیت اسلامی باید امکانات ملی را به سمت بنگاه‌های اقتصادی که بیشترین تاثیر را در رفع مشکلات اقتصادی دارند و در رفع فقر و تحقق عدالت اقتصادی موفق‌ترند، در اولویت قرار دهد.



## منابع

- آربلاستر، آنتونی. (۱۳۶۷). ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز. چاپ اول.
- آمدی تمیمی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم. شرح خوانساری، قم: مکتب الإعلام الإسلامی. چاپ اول.
- ایسینگ، اتمار. (۱۳۷۴). تاریخ اندیشه‌ها و عقاید اقتصادی. هادی صمدی. تهران: موسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.
- بانک جهانی. (۱۹۹۵). گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۵. ترجمه غلامحسین صالح نسب. مجله جهاد، سال ۱۵. شماره ۱۸۰ و ۱۸۱.
- برانسون، ویلیام اچ. (۱۳۷۴). اقتصاد کلان. عباس شاکری. تهران: انتشارات نشر نی. چاپ دوم.
- بکن، هنری. (۱۳۸۶). تصورات بنیانی از تعاون واقعی. ترجمه سازمان مرکزی تعاون کشور. تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور. چاپ اول.
- بوگاردوس، اموری. (۱۳۵۲). تعاون و اصول اولیه آن. ترجمه وزارت تعاون و امور روستاها. تهران: انتشارات وزارت تعاون.
- بیو، والدن. (۱۳۷۶). پیروزی سیاه. ترجمه احمد سیف و کاظم فرهادی. تهران: انتشارات نقش جهان. چاپ اول.
- پاپکین، ریچارد. استرول، هنری. استرول، آروم. (۱۳۷۴). کلیات فلسفه. ترجمه سید جلال‌الدین مجتوبی. تهران: انتشارات حکمت. چاپ دهم.
- تفضلی، فریدون. (۱۳۷۲). تاریخ عقاید اقتصادی. تهران: نشر نی.
- تیرل وال، ا. پ. (۱۳۷۸). رشد و توسعه. ترجمه منوچهر فرهنگ و فرشید مجاور حسینی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ اول.
- راسل، برتراند. (۱۳۷۳). تاریخ فلسفه غرب. ترجمه نجف دریابندی. تهران: کتاب پرواز. چاپ اول.
- رنانی، محسن. (۱۳۷۷). بازار یا نابازار. بررسی موانع نهادی کارآیی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران. تهران: سازمان برنامه و بودجه. چاپ اول.
- روزدل پالم، رابرت. (۱۳۸۳). تاریخ جهان نو. ترجمه ابوالقاسم طاهری. تهران: انتشارات امیرکبیر. چاپ اول.
- زریباف، سید مهدی. (۱۳۹۱). تحلیلی بر سیر شناخت و روش شناسی علم اقتصاد. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ژانه، پیر. (۱۳۷۲). اخلاق. ترجمه بدرالدین کتابی. اصفهان: انتشارات اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان. چاپ اول.



- ژید، شارل. ریست، شارل. (۱۳۷۰). تاریخ عقاید اقتصادی. ترجمه کریم سنجابی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ سوم.
- سبحانی، جعفر. (۱۳۷۳). منشور جاوید. قم: انتشارات توحید. چاپ سوم.
- جوئل، شارون. (۱۳۷۹). ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی. چاپ اول.
- شریف‌الرضی، محمدبن حسین. (۱۳۷۸). نهج البلاغه. ترجمه جعفر شهیدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ چهارم.
- شیخ صدوق. (۱۳۹۸). التوحید. قم: انتشارات جامعه مدرسین. چاپ اول.
- شیخ مفید. (۱۴۱۳ق/۱۳۷۲ش). الارشاد. المؤتمر العالمي لایفه. چاپ اول.
- صدر، سید محمد باقر. (۱۴۱۳ق/۱۳۷۲ش). فلسفتنا. قم: دارالتعارف للمطبوعات. چاپ اول.
- طالب، مهدی. (۱۳۷۶). اصول و اندیشه‌های تعاونی. چاپ تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. چاپ اول.
- فرسون، سی بی مک. (۱۳۶۹). جهان حقیقی دموکراسی. ترجمه مجید مددی. تهران: نشر البرز. چاپ اول.
- فروم، اریک. (۱۳۸۵). جامعه سالم. ترجمه اکبر تبریزی. تهران: انتشارات بهجت. چاپ چهارم.
- قدیری اصلی، باقر. (۱۳۷۶). سیر اندیشه‌های اقتصادی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. چاپ نهم.
- کاسیر، ارنست. (۱۳۷۴). فلسفه روشنگری. ترجمه یدالله موقن. تهران: خوارزمی. چاپ اول.
- کربی، الکس. (۲۰۰۳). رشد زاغه نشین‌ها مایه شرمساری جهان است. گزارش تلویزیون بی‌بی‌سی.
- الکلینی الرازی، یعقوب بن اسحاق. (۱۴۱۳). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کاپلستون، فردریک. (۱۳۷۵). تاریخ فلسفه (فیلسوفان انگلیسی). ترجمه امیر جلال‌الدین اعلم. تهران: انتشارات سروش. چاپ سوم.
- لالاند، آندره. (۱۳۷۵). فرهنگ علمی انتقادی فلسفه. ترجمه غلامرضا وثیق. تهران: مؤسسه انتشاراتی فردوسی ایران. چاپ اول.
- المتقی الهندی، علی بن حسام‌الدین. (۱۴۲۴). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴). بحارالانوار. لبنان: مؤسسه الوفاء بیروت. چاپ اول.
- مدنی، علی اکبر. (۱۳۷۲). تعاونی راهی به جامعه سالم. تهران: انتشارات وزارت تعاون. چاپ اول.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۷۸). آموزش فلسفه. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی. چاپ اول.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا. چاپ پنجم.
- نمازی، حسین. (۱۳۸۷). نظام‌های اقتصادی. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار. چاپ پنجم.
- نمازی، شیخ علی. (۱۴۱۹). مستدرک سفینه البحار. قم: موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین. چاپ اول.
- نیشابوری، حاکم. (۱۴۰۶). المستدرک. بیروت: دارالمعرفه. چاپ اول.
- ولنکستر، لین. (۱۳۵۸). خداوندان اندیشه سیاسی. ترجمه علی رامین. تهران: امیر کبیر. چاپ اول.
- هیوت، تام و دیگران. (۱۳۷۷). صنعتی شدن و توسعه. ترجمه طاهره قادری. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی. چاپ اول.



یوسفی، احمد علی. (۱۳۸۶). نظام اقتصاد علوی (مبانی، اهداف و اصول راهبردی). تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ اول.  
یوسفی، احمد علی. (۱۳۹۲). الگوی مردم‌سالاری اقتصادی. بستر آزادی اقتصادی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۴۸.

Corcoran, Hazel and David Wilson, "The Worker Co-operative Movements in Italy, Mondragon and France: Context, Success Factors and Lessons", Retrieved from: [http://www.canadianworker.coop/sites/canadianworker.coop/files/CWCF\\_Research\\_Paper\\_International\\_16-6-2010\\_fnl\[1\].pdf](http://www.canadianworker.coop/sites/canadianworker.coop/files/CWCF_Research_Paper_International_16-6-2010_fnl[1].pdf)  
David Gordon, "Eradicating Poverty in the 21st Century: When will Social Justice be done?", Inaugural Lecture, 18th October, 2004.  
<http://distributistreview.com/mag/2010/06/mondragon-and-the-global-economic-meltdown/>  
[http://en.wikipedia.org/wiki/Mondragon\\_Corporation](http://en.wikipedia.org/wiki/Mondragon_Corporation)  
<http://euskalkazeta.com/ek/?p=13473>  
<http://euskalkazeta.com/ek/?p=13473>  
<http://participedia.net/en/cases/mondrag-n-co-operative-corporation>  
<http://participedia.net/en/cases/mondrag-n-co-operative-corporation>  
Kelly, G. & Massena, S. (2009, June). "Mondragon Co-operatives Decide How to Ride out a Downturn", Yes! Magazine. Retrieved from [www.yesmagazine.org/issues/the-new-economy/mondragon-worker-cooperatives-decide-how-to-ride-out-a-downturn](http://www.yesmagazine.org/issues/the-new-economy/mondragon-worker-cooperatives-decide-how-to-ride-out-a-downturn)  
Milanovic, Branko, (1999), "True World Income Distribution, 1988 and 1993", World Bank, Development Research Group, Retrieval at: <http://elibrary.worldbank.org/doi/pdf/10.1596/1813-9450-2244>.

